

ارزیابی اثر اجتماعی به‌مثابه ضرورت حکمرانی در ایران: گذار از تخصیص بودجه به خلق اثر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۲۰

شماره مسلسل:

۲۱۳۳۲



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

ارزیابی اثر اجتماعی به مثابه ضرورت حکمرانی در ایران: گذار از تخصیص بودجه به خلق اثر

نوع گزارش: طرح/لایحه ، راهبردی ، نظارتی ، پیش‌نویس قانونی

نام دفتر:

مطالعات اجتماعی (گروه مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی)

تهیه و تدوین کنندگان:

فاطمه سادات سرکی، حسام عزت‌آبادی‌پور

مدیر مطالعه:

محمدتقی ضرغام‌افشار

ناظران علمی:

ریحانه رحمانی‌پور، محمدرضا مالکی

اظهار نظر کنندگان:

سیدمجتبی میرپنجی (دفتر مطالعات بخش عمومی)، حیدر نجفی رستاقی (دفتر مطالعات بنیادین حکمرانی)

گرافیک و صفحه‌آرایی:

سمیرا صادقی‌عسکری

سعید احمدعلیزاده

ویراستار ادبی:

اکرم وحدانی‌فر

واژه‌های کلیدی:

۱. کسب‌وکار اجتماعی
۲. شرکت اجتماعی
۳. کارآفرینی اجتماعی
۴. نوآوری اجتماعی
۵. ارزیابی اثر اجتماعی



تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

فهرست مطالب

چکیده	۶
خلاصه مدیریتی	۷
۱. مقدمه	۸
۲. پیشینه پژوهش	۱۲
۳. اقتضائات نظری و تاریخی سیاستگذاری در حوزه ارزیابی اثر اجتماعی	۱۴
۳-۱. گذار از سنجش‌های صرفاً اقتصادی به درک آثار اجتماعی و انسانی	۱۴
۳-۲. سیر تاریخی توجه به آثار اجتماعی در سیاستگذاری و مداخلات توسعه‌ای	۱۴
۳-۳. ضرورت سنجش ساخت یافته: خاستگاه و کارکردهای ارزیابی اثر اجتماعی	۱۷
۳-۴. منطق حاکم بر ارزیابی اثر اجتماعی و اهداف کلیدی آن	۲۲
۳-۵. رویکردهای نظری و عملی در ارزیابی اثر اجتماعی	۲۳
۴. جمع بندی	۲۸
۵. پیشنهادها	۲۹
منابع و مأخذ	۳۰

فهرست جداول

جدول ۱. پیشینه پژوهش	۱۲
جدول ۲. سیر تاریخی توجه به آثار اجتماعی در سیاستگذاری	۱۶

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. نمودار جمع کل بودجه حمایتی کشور	۹
شکل ۲. نمودار جمع کل بودجه محرومیت‌زدایی در کشور	۹
شکل ۳. نمودار اعتبارات اشتغال‌زایی مصوب کل کشور	۱۰
شکل ۴. دامنه امر اجتماعی	۱۷
شکل ۵. زنجیره اثر	۱۸
شکل ۶. سه گام کلیدی فهم بر سنجش سهم مداخله	۱۹
شکل ۷. فرایند ارزیابی اثر اجتماعی	۲۱
شکل ۸. منطق حاکم بر ارزیابی اثر اجتماعی	۲۳
شکل ۹. رویکردهای ارزیابی اثر اجتماعی	۲۳
شکل ۱۰. اهمیت روش‌های کمی ارزیابی آثار اجتماعی	۲۵
شکل ۱۱. اهمیت روش‌های کیفی - مشارکتی ارزیابی آثار اجتماعی	۲۷
شکل ۱۲. اهمیت روش‌های ترکیبی ارزیابی آثار اجتماعی	۲۸



ارزیابی اثر اجتماعی به‌مثابه ضرورت حکمرانی در ایران: گذار از تخصیص بودجه به خلق اثر

DOI: [10.22034/MRC.REPORT.21332](https://doi.org/10.22034/MRC.REPORT.21332)

چکیده



در ایران، با وجود رشد انفجاری بودجه‌های حمایتی (۴۸۴ درصد) و اعتبارات اشتغال‌زایی بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، بهبود پایدار و ملموسی در شاخص‌های فقر و نابرابری مشاهده نمی‌شود. این «شکاف اثربخشی»، ناشی از فقدان نظامی برای سنجش بازده واقعی و تغییرات اجتماعی ناشی از این سرمایه‌گذاری‌های کلان است. گزارش حاضر با مرور تجارب جهانی نشان می‌دهد که ارزیابی اثر اجتماعی (SIA) که به‌عنوان فرایندی نظام‌مند، گذار از سنجش‌های صرفاً اقتصادی به درک «تغییرات معنادار در زندگی مردم» را ممکن می‌سازد، با استفاده از طیفی از روش‌های کمی، کیفی و مشارکتی، نه فقط ابزار اندازه‌گیری مؤثر محسوب می‌شود، بلکه سازوکاری برای کاهش ریسک‌های اجتماعی، افزایش مشروعیت و بهبود مستمر پروژه‌هاست. با توجه به شکاف اثربخشی در نظام حکمرانی در ایران، استقرار نظام ارزیابی اثر اجتماعی ضرورت حکمرانی است. بر این اساس، پیشنهاد‌های کلیدی در سه سطح ارائه شده است: امکان‌سنجی تدوین چارچوب سیاستی و قانونی الزام‌آور برای ارزیابی اثر اجتماعی، توسعه دستورالعمل‌های بومی، و اجرای پروژه‌های پایلوت برای الگوسازی. این اقدامات، منابع ملی را از «هزینه‌کرد محض» به سمت «سرمایه‌گذاری اجتماعی اثربخش» هدایت خواهد کرد.



بیان / شرح مسئله

در ایران، سالیانه حجم عظیمی از منابع مالی به حوزه‌های اجتماعی، حمایتی و اشتغال‌زایی تخصیص می‌یابد. آمارهای رسمی بودجه‌ای نشان می‌دهد که «جمع کل بودجه حمایتی کشور» از حدود ۱۵۶,۱۶۳ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۹۱۱,۶۱۶ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است؛ رشدی معادل ۴۸۴ درصد فقط در پنج سال به موازات آن، «اعتبارات اشتغال‌زایی مصوب کل کشور» نیز از ۲۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۱۰۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ جهش یافته و در سال‌های بعد نیز در همان حدود تثبیت شده است. با وجود این، شواهد میدانی و ادامه روند مشکلاتی مانند فقر چندبعدی، نابرابری، بیکاری ساختاری و حاشیه‌نشینی، گویای «شکاف اثربخشی» جدی است. بر این اساس، این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که چرا با وجود تزریق چنین منابع کلانی، بهبود پایدار و ملموسی در کیفیت زندگی اقلیت هدف مشاهده نمی‌شود؟ پاسخ این پرسش را باید در فقدان نظام یکپارچه و علمی «ارزیابی اثر اجتماعی» جست‌وجو کرد. نظام بودجه‌ریزی فعلی «ورودی‌محور»، و فاقد مکانیزمی برای سنجش «بازده واقعی» و «تغییرات پایدار» ایجاد شده در زندگی مردم است. این خلأ منجر به هدررفت منابع ملی، بازتولید چرخه وابستگی و کاهش مشروعیت سیاست‌های عمومی شده است.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

این گزارش با مرور نظام‌مند تجربیات جهانی و ادبیات علمی، به این یافته‌های کلیدی دست یافته است:

- ارزیابی اثر اجتماعی (SIA) فرایندی نظام‌مند برای تحلیل، پایش و مدیریت پیامدهای مثبت و منفی مداخلات بر زندگی مردم است. این ارزیابی، گذار از سنجش‌های صرفاً اقتصادی به درک «تغییرات معنادار در وضعیت انسانی» را ممکن می‌سازد.
- سیر تکاملی SIA، از ابزاری فنی در حاشیه پروژه‌های زیست‌محیطی (مانند قانون NEPA آمریکا، ۱۹۶۹) به سازوکار سیاستی و حکمرانی در سطح جهانی موضوعی در خور توجه است. نهادهایی مانند «انجمن بین‌المللی ارزیابی اثرات (IAIA)» و استانداردهایی مانند «اصول بین‌المللی ارزیابی اثر اجتماعی (۲۰۰۳)» و «ISO ۲۶۰۰۰» نقش بسزایی در استانداردسازی این حوزه داشته‌اند.
- رویکردها و روش‌های متنوعی برای سنجش اثر اجتماعی وجود دارد که در سه دسته کلی جای می‌گیرند:
 - روش‌های کمی (مانند آزمایش‌های تصادفی کنترل شده (RCT) و تحلیل هزینه-فایده اجتماعی (SCBA)) که بر سنجش علی و مقایسه‌پذیری تمرکز دارند.
 - روش‌های کیفی - مشارکتی (مانند نظریه تغییر (ToC)، روش برجسته‌ترین تغییر (MSC) و تحلیل ذی‌نفعان) که بر فهم زمینه، روایت‌های مردم و معناکاوی تغییرات تأکید می‌کنند.
 - روش‌های ترکیبی که با تلفیق داده‌های کمی و کیفی، تصویری جامع‌تر ارائه می‌دهند.
- کارکرد اصلی SIA فراتر از اندازه‌گیری، شامل کاهش ریسک‌های اجتماعی، افزایش مشروعیت و اعتماد عمومی از طریق مشارکت ذی‌نفعان و مدیریت تطبیقی پروژه‌ها در طول چرخه عمر آنهاست. کشورهای پیشرو با نهادینه کردن این نظام، نه فقط از هدررفت منابع جلوگیری کرده، بلکه اثربخشی مداخلات و سرمایه اجتماعی را افزایش داده‌اند.



پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با هدف استقرار نظام ارزیابی اثر اجتماعی در ایران و پُر کردن شکاف اثربخشی، پیشنهادهای این گزارش در سه سطح ارائه می‌شود:

● سطح کلان (قانونی و نهادی):

- امکان‌سنجی تدوین سیاست یا قانونی الزام‌آور برای ارزیابی اثر اجتماعی پروژه‌ها و برنامه‌های عمومی با بودجه بالای یک حد آستانه‌ای مشخص.
- ایجاد «واحد ارزیابی اثر اجتماعی» در ساختار قوه مجریه (مانند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یا سازمان برنامه و بودجه کشور) به‌عنوان نهاد ناظر و هماهنگ‌کننده.
- ادغام SIA در فرایند بودجه‌ریزی و مشروط کردن تخصیص بودجه در حوزه اجتماعی به ارائه و تصویب «برنامه مدیریت آثار اجتماعی (SIMP)».

● سطح اجرایی (روش‌شناسی و عملیاتی):

- تدوین دستورالعمل‌های بومی و بخشی برای حوزه‌های مختلف (مانند اشتغال، محرومیت‌زدایی، سلامت).
- اولویت‌بندی روش‌های کاربردی و کم‌هزینه مانند «نظریه تغییر» و «تحلیل ذی‌نفعان» در گام نخست.
- توسعه سامانه‌های هر دستگاه یا راه‌اندازی سامانه‌ای ملی به‌منظور پایش و گزارش‌دهی منظم برای ایجاد شفافیت و امکان یادگیری جمعی.

● سطح ظرفیت‌سازی:

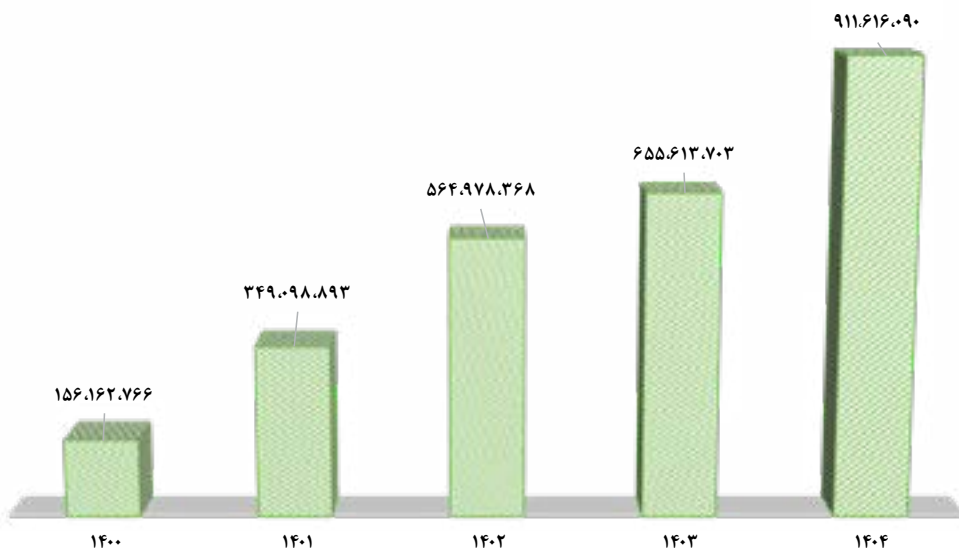
- اجرای پروژه‌های پایلوت در حوزه‌های پرچالش (مانند اشتغال‌زایی افراد دارای معلولیت و مشاغل خرد خانگی یا خدمات بهزیستی و مددکاری اجتماعی) برای الگوسازی و اثبات مفهوم.
- آموزش و توانمندسازی مدیران و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی.
- حمایت از تشکیل انجمن غیردولتی، مستقل و حرفه‌ای ارزیابی اثر اجتماعی و فرهنگ‌سازی عمومی درباره حق مشارکت ذی‌نفعان. در مجموع، استقرار این نظام، نه یک هزینه، بلکه سرمایه‌گذاری ضروری برای خروج از چرخه ناکارآمدی فعلی و هدایت منابع ملی به‌سمت خلق «تغییر» پایدار و معنادار در زندگی مردم است.

۱. مقدمه

در ایران سالیانه منابع و اعتبارات کلانی به حوزه‌های محرومیت‌زدایی، امور حمایتی و رفاهی و نیز اشتغال‌زایی اختصاص می‌یابد. داده‌های بودجه‌ای کشور در بازه زمانی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ گویای افزایش کمی چشمگیر و بی‌سابقه‌ای در تخصیص این منابع است. برای درک بهتر ابعاد این مسئله، تحلیل دقیق‌تری از این ارقام ضروری است. براساس قوانین بودجه سالیانه کل کشور، «جمع کل بودجه حمایتی کشور»^۱ که در سال ۱۴۰۰ معادل ۱۵۶,۱۶۲,۷۶۶ میلیون تومان بوده، در سال ۱۴۰۴ به رقم ۹۱۱,۶۱۶,۰۹۰ میلیون تومان رسیده است. این افزایش نشان‌دهنده رشد حدود ۴۸۴ درصدی در بودجه حمایتی فقط طی پنج سال است [۴-۸]. چنین رشد انفجاری در بودجه، حتی با در نظر گرفتن تورم، حکایت از عزم جدی دولت برای حل معضلات اجتماعی و کاهش فقر دارد.

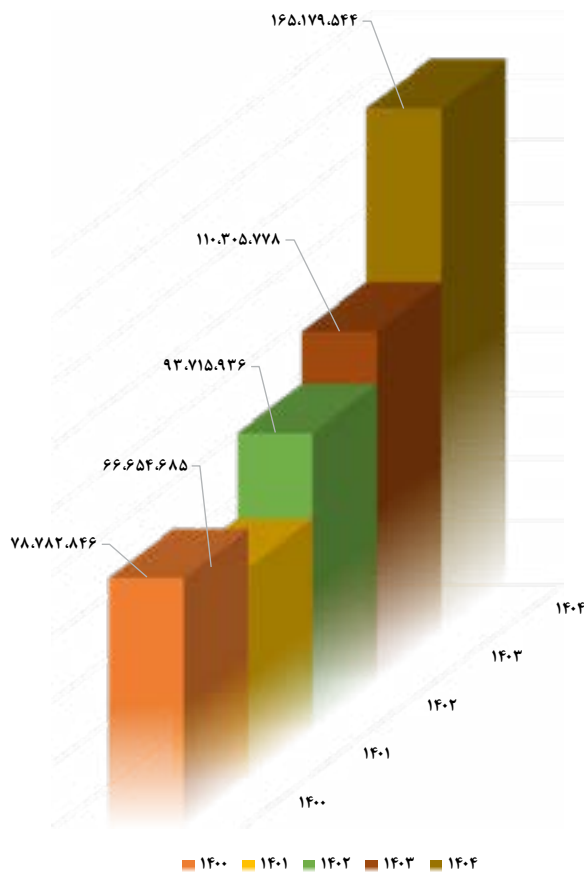
۱. بودجه حمایتی مشتمل بر یارانه نقدی، یارانه دارو، یارانه نان، مستمری افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی، هزینه‌های رفع سوء‌تغذیه کودکان و برخی موارد مندرج در جدول متفرقه بودجه سالیانه کشور است.

شکل ۱. نمودار جمع کل بودجه حمایتی کشور (میلیون تومان) [۴-۸]



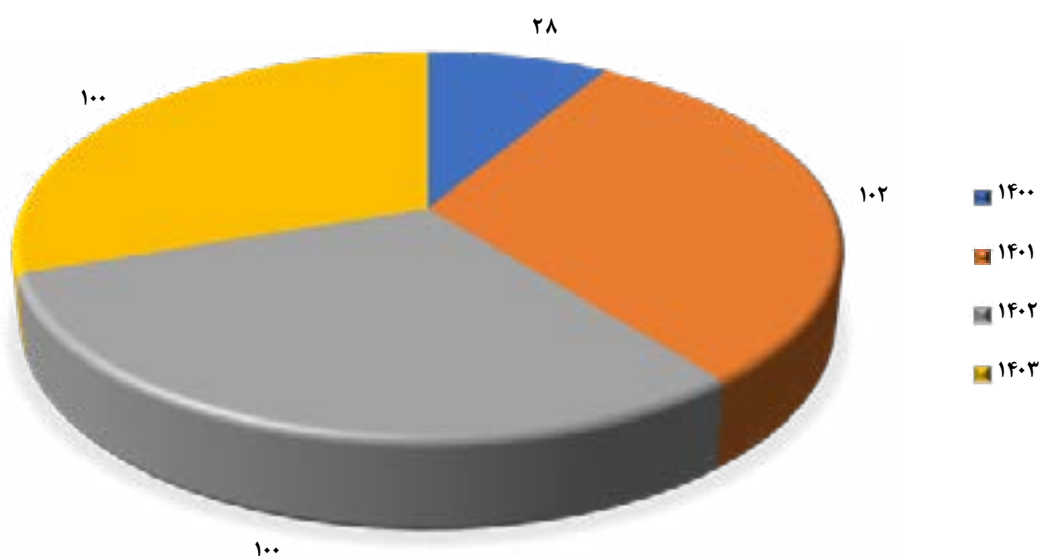
به موازات این افزایش، بودجه اختصاص یافته به «محرومیت زدایی» نیز از ۷۸,۷۸۲,۸۴۶ میلیون تومان در سال ۱۴۰۰ به ۱۶۵,۱۷۹,۵۴۴ میلیون تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است که افزایشی حدود ۱۱۰ درصدی را نشان می دهد [۴-۸].

شکل ۲. نمودار جمع کل بودجه محرومیت زدایی در کشور (میلیون تومان) [۴-۸]



در حوزه اشتغال، روند جالب توجه‌تری مشاهده می‌شود. «اعتبارات اشتغال‌زایی مصوب کل کشور» در سال ۱۴۰۰، در حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۴۰۱ با جهش تقریباً چهاربرابری به ۱۰۲ هزار میلیارد تومان رسیده و در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نیز در سطح ۱۰۰ هزار میلیارد تومان تثبیت شده است [۸-۴]. این جهش ناگهانی و تثبیت آن در سطح بالا، نشان از تبدیل «اشتغال» به اولویتی فوق‌العاده در سیاست‌گذاری کلان کشور دارد. نکته حائز اهمیت این است که اگرچه اعتبارات اشتغال‌زایی نیز افزایش یافته، ماهیت هزینه‌کرد آن نیازمند بررسی است. آیا این اعتبارات به ایجاد کسب‌وکارهای پایدار و مولد منجر شده یا فقط به پرداخت تسهیلات بدون پشتوانه و نظارت کافی انجامیده که در نهایت موجب افزایش بدهی‌های معوق و به وجود نیامدن مشاغل پایدار شده است؟

شکل ۳. نمودار اعتبارات اشتغال‌زایی مصوب کل کشور (هزار میلیارد تومان) [۸-۴]



با این حال، سؤال کلیدی اینجاست که چرا با وجود این حجم عظیم تزریق مالی به حوزه‌های حمایتی و اشتغال، بهبود ملموسی در بسیاری از معضلات اجتماعی، مانند نابرابری، بیکاری ساختاری، حاشیه‌نشینی و فقر چندبعدی مشاهده نمی‌شود؟

پاسخ به این پرسش را باید در فقدان نظام یکپارچه و علمی «ارزیابی اثر اجتماعی» جست‌وجو کرد. افزایش بودجه‌ها عمدتاً بر مبنای رویکردهای کمی و فشارهای اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد؛ بدون آنکه مکانیسمی برای سنجش «بازده واقعی» این سرمایه‌گذاری‌های عظیم وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، سیستم فعلی، بودجه‌ریزی را «ورودی‌محور» کرده و از «خروجی‌ها» و «نتایج» غافل مانده است. برای مثال، آیا افزایش ۴۸۴ درصدی بودجه حمایتی منجر به بهبود ۴۸۴ درصدی در شاخص‌های کیفیت زندگی، سلامت اجتماعی یا کاهش فقر مطلق شده است؟ چندین سناریوی محتمل پشت این اعداد و ارقام پنهان شده است:

سناریوی اول، هدررفت منابع: ممکن است بخش قابل توجهی از این بودجه‌ها، به دلیل ناکارآمدی در سیستم توزیع، بوروکراسی پیچیده یا فقدان هدف‌گذاری دقیق، به دست گروه‌های هدف واقعی نرسد و در مسیر اجرا هدر رود.

سناریوی دوم، آثار موقتی و غیر پایدار: این احتمال وجود دارد که منابع تخصیص یافته صرف ارائه حمایت‌های مقطعی و معیشتی شده باشد، بدون آنکه به ایجاد توانمندی پایدار، توسعه مهارت‌ها یا تقویت سرمایه اجتماعی در میان جوامع محروم منجر شود. در این حالت، اگر چه ممکن است در کوتاه مدت از شدت بحران کاسته شود، چرخه فقر و وابستگی باز تولید می‌شود.

سناریوی سوم، خنثی سازی توسط عوامل کلان: تأثیر مثبت بالقوه این بودجه‌ها ممکن است توسط عوامل کلان اقتصادی مانند تورم لجام گسیخته، رکود اقتصادی و تحریم‌ها کاملاً خنثی شود. افزایش بودجه از ۱۵۶ هزار میلیارد تومان به ۹۱۱ هزار میلیارد تومان، در شرایطی که نرخ تورم در همین دوره در اوج بوده است، به معنای افزایش واقعی نیست و فقط برای حفظ سطح موجود خدمات، نیازمند افزایش اسمی بودجه است.

در نتیجه، مسئله اصلی فقط «میزان» تخصیص بودجه نیست، بلکه «اثر بخشی» این تخصیص در ایجاد تغییرات ملموس و پایدار در زندگی مردم است. حجم عظیم منابعی که در این پنج سال به این حوزه‌ها تزریق شده، «فرصتی تاریخی» برای تحول اجتماعی بوده است. اما نبود چارچوبی برای سنجش بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری (SROI)، این خطر جدی را پدید آورده است که این فرصت طلایی به «فاجعه خاموش» در مدیریت منابع ملی تبدیل شود؛ جایی که سیاستگذاران و مردم نمی‌دانند این هزاران میلیارد تومان در نهایت چه دستاورد عینی و پایداری برای کشور به ارمغان آورده است. این شکاف بین «هزینه کرد» و «دستاورد» است که بیان‌کننده عمق مسئله و لزوم پرداختن فوری به مقوله ارزیابی اثر اجتماعی است.

نبود نظامی منسجم برای ارزیابی اثر اجتماعی و سنجش بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری (SROI) سبب شده است سیاستگذاران و مدیران نتوانند اطمینان یابند که اعتبارات تخصیص یافته واقعاً به بهبود کیفیت زندگی اقشار هدف منجر شده است؛ بنابراین، بدون ارزیابی نظام‌مند، خطر هدررفت منابع ملی و بازتولید چرخه ناکارآمدی در حوزه رفاه اجتماعی وجود دارد.

تجربه جهانی در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که موفقیت پروژه‌های توسعه‌ای و برنامه‌های اجتماعی، صرفاً با شاخص‌های اقتصادی قابل سنجش نیست و نیازمند سنجش تغییرات معنادار در وضعیت‌های اجتماعی و انسانی است. کشورهایی که توانسته‌اند نظام ارزیابی اثر اجتماعی را مستقر کنند، از یک سو توانسته‌اند ریسک‌های اجتماعی پروژه‌ها را کاهش دهند و از سوی دیگر، مشروعیت و اعتماد عمومی را به دست آورند. در ایران، بدون چنین نظامی، تصمیم‌گیرندگان نه امکان سنجش اثر بخشی واقعی مداخلات اجتماعی را دارند و نه می‌توانند مسیر اصلاح سیاست‌ها را به موقع شناسایی کنند. این مطالعه در پی آن است که با تکیه بر درس‌آموخته‌های جهانی، چارچوبی برای ارزیابی اثر اجتماعی در ایران پیشنهاد دهد.

این گزارش با هدف بررسی تجربه‌های بین‌المللی در حوزه ارزیابی اثر اجتماعی و استخراج درس‌آموخته‌هایی برای ایران تدوین شده است. پرسش‌های محوری آن عبارت‌اند از:

- ۱ چه سیر تاریخی و نهادی در سطح جهانی به شکل‌گیری و تثبیت نظام‌های ارزیابی اثر اجتماعی انجامیده است؟
- ۲ چه چارچوب‌ها و روش‌هایی برای سنجش اثر اجتماعی و محاسبه بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری وجود دارد؟
- ۳ کشورها چگونه از این ابزارها برای بهبود سیاست‌های اجتماعی و جلوگیری از هدررفت منابع استفاده کرده‌اند؟
- ۴ چه درس‌آموخته‌هایی از تجربه جهانی می‌تواند در طراحی و استقرار نظام ارزیابی اثر اجتماعی در ایران مفید باشد؟



۲. پیشینه پژوهش



مطالعات حوزه کسب و کارهای اجتماعی و ارزیابی اثر اجتماعی در سال‌های اخیر، چه در سطح بین‌المللی و چه در ایران، رشد چشمگیری داشته است. تمرکز اصلی این مطالعات بر روشن ساختن جایگاه کسب و کار اجتماعی، تبیین سازوکارهای حمایتی و بررسی شیوه‌های سنجش و مدیریت آثار اجتماعی بوده است.

در ایران، عزت‌آبادی پور و ضرغام‌افشار (۱۴۰۳) در گزارش «تبیین و تنظیم کسب و کارهای اجتماعی: مفهوم‌شناسی» نشان داده‌اند که زیست‌بوم کسب و کارهای اجتماعی نیازمند قانونگذاری مستقل است. به باور آنان، تدوین قانونی که مرز میان مفاهیمی همچون شرکت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی و فعالیت اجتماعی را مشخص کند، شرط لازم برای نهادینه‌سازی و توسعه این حوزه به شمار می‌رود. بر اساس این دیدگاه، شرکت اجتماعی کسب و کاری است که مأموریت اصلی آن توانمندسازی جامعه و حل مسائل اجتماعی است و سودآوری در آن جایگاه ثانوی دارد [۱].

در ادامه همین خط پژوهشی، عزت‌آبادی پور و ضرغام‌افشار (۱۴۰۳) با مرور تجربه کشورهای مختلف، از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا، انگلستان، آمریکا، لهستان و یونان، بر اهمیت ایجاد چارچوب‌های قانونی و شخصیت حقوقی ویژه برای شرکت‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. این کشورها با رسمیت‌بخشی به کسب و کارهای اجتماعی و طراحی نظام‌های اعتبارسنجی و اعطای نشان، زمینه ارتقای شفافیت، انسجام و اعتماد عمومی به این کسب و کارها را فراهم آورده‌اند [۲].

از منظر حمایت‌های نهادی، پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که حمایت‌های مالی و غیرمالی دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری و توسعه کسب و کارهای اجتماعی دارد. عزت‌آبادی پور و ضرغام‌افشار (۱۴۰۴) در بررسی ابزارهای حمایتی، دو دسته حمایت مستقیم و غیرمستقیم را شناسایی کرده‌اند؛ حمایت‌های مستقیم شامل یارانه‌ها، کمک‌های بلاعوض، معافیت‌های مالیاتی و قرار دادهای دولتی است که در برخی کشورها همچون اتریش، فنلاند و ایتالیا به صورت پایدار اعمال می‌شوند. در مقابل، کشورهایی مانند بلغارستان، کرواسی و جمهوری چک از الگوهای محدود یا ناپایدار حمایت برخوردارند. حمایت‌های غیرمستقیم نیز عمدتاً از طریق قوانین شفاف، سازوکارهای ارزیابی اثر اجتماعی و مشارکت نهادهای غیردولتی و بنیادها شکل گرفته‌اند. افزون بر این، مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها با ارائه خدمات مشاوره‌ای، آموزشی و راهبردی به افزایش تاب‌آوری و رشد کسب و کارهای اجتماعی کمک کرده‌اند [۳].

جدول ۱. پیشینه پژوهش

پژوهشگر	تاریخ	عنوان	یافته‌های پژوهش
سلسله‌گزارش‌های تبیین و تنظیم کسب و کارهای اجتماعی: مفهوم‌شناسی	عزت‌آبادی پور، ضرغام‌افشار، ۱۴۰۳		زیست‌بوم کسب و کارهای اجتماعی در ایران همانند سایر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دنیا، نیازمند قانونگذاری است. باید قانونی تهیه شود که تمایز میان شرکت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی و فعالیت اجتماعی را مشخص کند. همچنین چنین قانونی باید تفاوت‌های میان شرکت تجاری، شرکت اجتماعی و تشکل مردم‌نهاد را در نظر گیرد. شرکت اجتماعی کسب و کاری است که برای اقدام عملی در راستای توانمندسازی جامعه و حل مسئله اجتماعی پا به عرصه عمومی می‌گذارد و کسب سود و ثروت در اولویت آن نیست.

پژوهشگر	تاریخ	عنوان	یافته‌های پژوهش
عزت‌آبادی‌پور، ضرغام‌افشار	۱۴۰۳	درس‌آموخته‌هایی از کسب‌وکارهای اجتماعی در دنیا: مرجع قانونی و شخصیت حقوقی	کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، انگلستان، آمریکا، لهستان و یونان برای توسعه زیست‌بوم اجتماعی خود و سامان‌دهی کسب‌وکارهای اجتماعی، چارچوبی قانونی و شخصیت حقوقی برای فعالیت شرکت‌های اجتماعی ایجاد کرده و در ادامه سازوکار اعتبارسنجی و اعطای نشان را نیز در دستور کار خود قرار داده‌اند.
عزت‌آبادی‌پور، ضرغام‌افشار	۱۴۰۴	درس‌آموخته‌هایی از کسب‌وکارهای اجتماعی در دنیا: ابزارهای حمایتی	حمایت‌های مالی دولتی از کسب‌وکارهای اجتماعی به دو دسته حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند: حمایت‌های مستقیم شامل ابزارهایی نظیر یارانه‌ها، کمک‌های بلاعوض، معافیت‌های مالیاتی، تسهیلات بیمه‌ای و قراردادهای تدارکاتی‌اند که از طریق دستگاه‌های دولتی و صندوق‌های مالی ارائه می‌شوند. در اروپا، برخی کشورها مانند اتریش، فنلاند، ایتالیا، لوکزامبورگ، مالت و هلند حمایت‌های مالی را به صورت کامل و مستمر ارائه می‌کنند؛ در حالی که کسب‌وکارهای اجتماعی در برخی کشورها، همچون بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، دانمارک، استونی، یونان، مجارستان، اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد و بریتانیا، از حمایت‌های محدود یا ناپایدار دولتی بهره‌مند می‌شوند. همچنین حمایت‌های غیرمستقیم از طریق تدوین چارچوب‌های قانونی و ایجاد سازوکارهای ارزیابی تأثیر در کنار مشارکت نهادهای غیردولتی مانند بنیادها و تشکل‌های مردم‌نهاد اجرا می‌شوند. تجربیات موفق کشورهای مختلف، به ویژه در اروپا، نشان می‌دهد که تدوین قوانین منسجم و شفاف، ایجاد سیستم‌های نظارتی و تقویت همکاری‌های بین‌بخشی از عوامل کلیدی در اثربخشی حمایت‌های مالی محسوب می‌شوند. علاوه بر این، نهادهای پشتیبان مانند مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها با ارائه خدمات مشاوره‌ای، آموزشی و راهبردی، به افزایش تاب‌آوری و رشد سریع کسب‌وکارهای اجتماعی کمک می‌کنند.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

در سطح جهانی نیز ادبیات ارزیابی اثر اجتماعی (SIA) مسیری تکاملی را طی کرده است؛ از تجربه‌های اولیه در قالب الزامات زیست‌محیطی (نظیر قانون سیاست ملی محیط زیست آمریکا، ۱۹۶۹) تا تدوین اصول بین‌المللی ارزیابی اثر اجتماعی توسط IIAA (۲۰۰۳) و نهادینه‌سازی آن در اسناد کلانی همچون ISO ۲۶۰۰۰ (۲۰۱۰) و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (۲۰۱۵). این تحولات نشان می‌دهد که ارزیابی اثر اجتماعی از ابزاری فنی به سازوکاری سیاستی و حکمرانی بدل شده است که هدف آن تضمین عدالت اجتماعی، مشارکت ذی‌نفعان و پایداری آثار اجتماعی است.

به‌طور کلی، مرور پیشینه‌ها آشکار می‌کند که توسعه کسب‌وکارهای اجتماعی و ارزیابی اثر اجتماعی، دوروند موازی و مکمل به شمار می‌روند: نخست، رسمیت‌بخشی و حمایت نهادی از کسب‌وکارهای اجتماعی برای حل مسائل اجتماعی، و دوم، ایجاد چارچوب‌های ارزیابی اثر اجتماعی به منظور اطمینان از اثربخشی و مشروعیت این مداخلات. این هم‌افزایی مبنای اصلی درس‌آموخته‌های جهانی و توصیه‌های سیاستی برای ایران است.



۳. اقتضات نظری و تاریخی سیاست‌گذاری در حوزه ارزیابی اثر اجتماعی



۳-۱. گذار از سنج‌های صرفاً اقتصادی به درک آثار اجتماعی و انسانی

در دوره قابل توجهی از قرن بیستم، ارزیابی اثرگذاری مداخلات فقط محدود و معطوف به معیارهای اقتصادی بود؛ شاخص‌هایی نظیر نرخ بازگشت سرمایه، حاشیه سود، رشد و بهره‌وری ابزارهای کمی و مقایسه‌پذیری برای ارزیابی عملکرد یک پروژه یا مداخله به حساب می‌آمدند [۹]. با آشکار شدن آثار پیش‌بینی نشده و گاه منفی اجرای پروژه‌ها و سیاست‌های مبتنی بر توسعه، کارآمدی ابزارهای مالی و اقتصادی در سنجش آثار یک مداخله مورد تردید قرار گرفت. طرح‌های توسعه‌ای نظیر احداث نیروگاه‌ها، سدسازی، راه‌اندازی معادن و گسترش خطوط ریلی، که از نظر استانداردهای مالی موفق به حساب می‌آمدند، گاهی موجب بی‌ثباتی اقتصاد محلی، گسست پیوندهای فرهنگی و آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌شدند.

انباشت این تجربیات زمینه‌ساز تغییرات چشمگیری در گفتمان توسعه شد. شماری از پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نیز بر ناکارآمدی ابزارهای مالی و اقتصادی در به تصویر کشیدن آثار اجتماعی و انسانی طرح‌های توسعه‌ای تأکید کرده‌اند. برای نمونه، رابرت شالوک^۱ (۱۹۹۵) در کتاب خود با عنوان ارزیابی مبتنی بر نتیجه^۲ تأکید می‌کند، ارزیابی مبتنی بر شاخص‌های کمی، مانع از توجه به پیامدهای اجتماعی و انسانی پروژه‌ها می‌شود؛ ارزیابی مؤثر باید متکی و مبتنی بر ملاحظات انسانی و اجتماعی گروه‌های ذی‌نفع باشد [۱۰]. آمار تیاسن^۳ (۱۹۹۹) نیز در کتاب توسعه به مثابه آزادی^۴ استدلال می‌کند که برای ارزیابی موفقیت پروژه‌های توسعه‌ای نمی‌توان فقط به شاخص‌های مالی و اقتصادی اکتفا کرد؛ توسعه باید با گسترش آزادی‌های واقعی افراد ارزیابی شود [۱۱].

به تدریج پرسش‌هایی بنیادین مطرح شدند که نه فقط ابزارهای سنجش، بلکه تعریف پیشرفت و موفقیت مداخلات و طرح‌های توسعه‌ای را به چالش کشیدند. پرسش‌هایی که فراتر از آثار اقتصادی، در پی شناسایی و سنجش آثار پروژه‌ها بر ابعاد زیست‌محیطی، انسانی و اجتماعی مداخلات بودند:

- چه کسانی از اجرای این طرح منتفع و چه کسانی متضرر خواهند شد؟
- طرح‌های توسعه‌ای چگونه بر زندگی روزمره افراد در جوامع محلی اثر می‌گذارد؟
- این مداخلات در سطح اجتماعی و زیست‌محیطی چه آثاری را به همراه خواهند داشت؟

پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم شکل‌گیری رویکردهایی نوین بود؛ رویکردهایی که فراتر از شاخص‌های مالی و اقتصادی، ابعاد انسانی و اجتماعی را نیز در ارزیابی آثار یک مداخله لحاظ می‌کنند.

۳-۲. سیر تاریخی توجه به آثار اجتماعی در سیاست‌گذاری و مداخلات توسعه‌ای

در اواخر دهه ۱۹۶۰، پیدایش پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی اجرای پروژه‌هایی چون احداث سدها، بزرگراه‌ها و کارخانجات صنعتی در ایالات متحده آمریکا، منجر به افزایش نگرانی‌های عمومی شده بودند. موج نارضایتی‌های اجتماعی، فقدان چارچوب‌های قانونی در این زمینه را پررنگ کرد. تصویب قانون سیاست ملی محیط زیست آمریکا (NEPA)^۵ در سال ۱۹۶۹، که در ژانویه سال ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد، پاسخی به فشارهای اجتماعی و سیاسی موجود در این زمینه بود. به‌واسطه تصویب این قانون، برای اولین بار الزام ارائه بیانیه تأثیرات زیست‌محیطی

1. Schalock
2. Outcome-Based Evaluation
3. Amartya Sen
4. Development as Freedom
5. National Environmental Policy Act

مطرح شد. سازمان‌های فدرال موظف شدند که پیش از اجرای پروژه‌های خود، به ارزیابی آثار جانبی آنها بر محیط زیست بپردازند [۱۲]. در ابتدای امر، نگرانی‌های اصلی به آسیب‌های گسترده زیست‌محیطی ناشی از اجرای طرح‌های توسعه‌ای معطوف بود و به این موضوع به‌ندرت توجه می‌شد که پیامدهای جانبی این پروژه‌ها چگونه زندگی فردی و فرهنگ جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند. باین حال، تعریف ارائه شده از محیط زیست در متن قانون، فقط محدود به طبیعت نبود. استفاده از اصطلاح «محیط انسانی» در این تعریف، به‌مرور زمان بستری را برای مشارکت متخصصان علوم اجتماعی و گنجانیدن ملاحظات اجتماعی فراهم کرد.

این گشودگی مفهومی، به تدریج زمینه‌ساز شکل‌گیری حوزه‌ای مستقل با عنوان ارزیابی تأثیر اجتماعی (SIA)^۱ شد. ونکلی معتقد بود که مراحل اولیه توسعه SIA واکنشی به ذهنیت غیراجتماعی سیاستگذاری فدرال در آن دوران به حساب می‌آید؛ ذهنیتی که در آن سنجش آثار بیوفیزیکی بر تجربه‌های انسانی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی اولویت دارد.

نقطه عطف این تحول مفهومی در سال ۱۹۷۳ و در جریان اجرای پروژه خط لوله انتقال نفت آلاسکا آشکار شد؛ هنگامی که یکی از رهبران قبیله اینوئیت^۲ این پرسش را مطرح کرد: «حالا که مشکل انتقال نفت حل شد، چه سرنوشتی در انتظار سبک زندگی و آداب و رسوم مردم خواهد بود؟». این پرسش به‌ظاهر ساده، ضرورت پرداختن به ملاحظات اجتماعی و فرهنگی را در کنار ابعاد زیست‌محیطی و بوم‌شناختی نمایان کرد و از این رهگذر به تدریج ارزیابی تأثیر اجتماعی به حوزه‌ای مستقل و مکمل برنامه‌ریزی و سیاستگذاری تبدیل شد [۱۲].

با وجود اینکه نخستین گام‌ها به‌منظور ارزیابی پیامدهای اجتماعی طرح‌های توسعه‌محور در این دوران برداشته شد، بسیاری از این تلاش‌ها فاقد انسجام نظری بودند. تلاش برای کمی‌سازی و تمرکز این ارزیابی‌ها بر آمارهای ساده‌ای نظیر میزان اشتغال و مهاجرت، مانع از فهم عمیق‌تر مسائل فرهنگی و اجتماعی می‌شد. گسترش کاربرد ارزیابی تأثیر اجتماعی در اوایل دهه ۱۹۸۰ نیز ضعف‌های مفهومی و روش‌شناختی آن را بیش‌ازپیش نمایان کرد [۱۳].

در پاسخ به خلأ نظری و فقدان چارچوب استاندارد برای ارزیابی آثار، به‌خصوص آثار اجتماعی، گروهی از متخصصان و پژوهشگران این حوزه به تأسیس انجمن بین‌المللی ارزیابی آثار (IAIA)^۳ اقدام کردند. این انجمن، که با هدف ارتقای انسجام نظری، اشتراک‌گذاری تجربیات و تدوین چارچوب‌های استاندارد تشکیل شده بود، اولین نشست رسمی خود را در ژانویه سال ۱۹۸۱ در تورنتو برگزار کرد و به تدریج به مرجع اصلی تدوین دستورالعمل‌های ارزیابی آثار در جهان تبدیل شد [۱۴].

هرچند شکل‌گیری IAIA از اوایل دهه ۱۹۸۰ بستری جهانی برای تبادل دانش و تجربه فراهم کرد، ماهیت آن همچنان غیرانتفاعی، داوطلبانه و شبکه‌ای باقی ماند. اثرگذاری این انجمن عمدتاً از طریق برگزاری کنفرانس‌ها، انتشار متون تخصصی و توسعه ظرفیت حرفه‌ای اعمال می‌شد و فاقد سازوکار الزام‌آور یا نظارت رسمی بر عملکرد دولت‌ها و پروژه‌های ملی بود [۱۴].

از این‌رو، در ایالات متحده، چالش‌های اجرایی همچنان پابرجا ماند. اجرای مؤلفه اجتماعی NEPA با ناهمگونی چشمگیری روبه‌رو بود. تفاوت در رویکرد سازمان‌های فدرال و نبود چارچوب میان‌رشته‌ای روشن، باعث شد کیفیت گزارش‌های SIA متغیر باشد و امکان مقایسه و ارزیابی یکپارچه آنها محدود بماند. تا آن زمان یک بیان نظام‌مند و مشترک از محتوای لازم SIA ارائه نشده بود. برای رفع این خلأ، از سال ۱۹۸۹ ابتکاری مشترک آغاز شد و «کمیته بین‌سازمانی راهنما و اصول SIA»^۴ با مشارکت نمایندگان انجمن‌های تخصصی علوم اجتماعی در آمریکا، نظیر IAIA، انجمن جامعه‌شناسی روستایی، انجمن روان‌شناسی آمریکا، انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، انجمن انسان‌شناسی آمریکا و انجمن اقتصاد کشاورزی، تشکیل شد. نخستین گزارش کمیته در سال ۱۹۹۳ نهایی و نسخه عمومی آن در سال ۱۹۹۴، با پشتیبانی کنسرسیومی از نهادهای فدرال آمریکا منتشر شد و در قالب یادداشتی با عنوان «دستورالعمل‌ها و اصول ارزیابی تأثیر اجتماعی»^۵ در دسترس قرار گرفت.

1. Social Impact Assessment

2. Inuit

3. International Association for Impact Assessment

4. Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment (ICGPSIA)

5. Guidelines and Principles For Social Impact Assessment



این سند نخستین تلاش رسمی و هماهنگ برای استانداردسازی SIA در چارچوب حقوقی NEPA بود. سند مزبور با تبیین مفهوم عملیاتی اثر اجتماعی، چارچوب پایه SIA و گام‌های اصلی را برای پیاده‌سازی آن مشخص می‌کرد [۱۲، ۱۵].

با انتشار راهنمای ۱۹۹۴ کمیته بین‌سازمانی، خلأ مفهومی و اجرایی SIA در چارچوب حقوقی ایالات متحده تا حدی برطرف شد؛ اما این تحول به مرزهای ملی محدود نماند. هم‌زمان با گسترش ادبیات توسعه پایدار و افزایش حساسیت افکار عمومی درباره پیامدهای اجتماعی پروژه‌های بزرگ، سازمان‌های بین‌المللی نیز توجه خود را به استانداردسازی و الزام‌آور کردن ارزیابی آثار اجتماعی معطوف کردند [۱۳، ۱۴].

در این دوره، IAIA نقش صرفاً شبکه‌ای و علمی اولیه فراتر رفت و به سمت ایفای نقشی فعال در تدوین «اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی»^۱ در سال ۲۰۰۳ حرکت کرد. این سند، که به ابتکار گروه کاری SIA در IAIA و با مشارکت پژوهشگران و متخصصان برجسته، از جمله فرانک ونکلی، تهیه شد، دستاورد بیش از یک دهه تجربه عملی در اجرای SIA در سطوح ملی و بین‌المللی بود. اصول ۲۰۰۳، مبتنی بر اجماع حرفه‌ای، بر عدالت اجتماعی، مشارکت مؤثر ذی‌نفعان، احترام به تنوع فرهنگی و به‌کارگیری رویکردهای میان‌رشته‌ای تأکید داشتند [۱۴].

در ادامه این تحولات، انتشار راهنمای ISO ۲۶۰۰۰ در سال ۲۰۱۰ نقطه مهمی برای «جاری‌سازی» ارزیابی آثار اجتماعی از سطح پروژه به سطح حکمرانی سازمانی بود. این سند با ماهیتی راهنما و غیرالزام‌آور به‌جای ارائه یک روش‌شناسی مستقل برای SIA، مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی^۲ را به‌زبان مشترک و انجام‌پذیر تبدیل کرد. محورهای کلیدی آن شامل شناسایی ذی‌نفعان و مسائل بااهمیت، اعمال دقت لازم برای پیشگیری یا کاهش آثار منفی، اتخاذ رویکرد چرخه عمر و شفافیت و گزارش دهی است. بدین ترتیب، آنچه پیش‌تر در قالب پیوست‌های اجتماعی گزارش‌های ارزیابی آثار پروژه‌ها ارائه می‌شد، در ISO ۲۶۰۰۰ به بخشی از سیاست‌ها و فرایندهای دائمی سازمان ارتقا یافت و در موضوعات هسته‌ای مانند حقوق بشر (با تأکید بر HRIA)، محیط زیست (EIA) و چرخه عمر) و مشارکت و توسعه جامعه نهادینه شد [۱۶].

در ادامه، تصویب اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs) در سال ۲۰۱۵ جایگاه SIA را بیش‌ازپیش تقویت کرد. تأکید این اهداف بر شمول اجتماعی، برابری و عدالت نهادی، ارزیابی آثار اجتماعی را به ابزاری معتبر برای پایش اثربخشی توسعه و سنجش پیشرفت در شاخص‌های عدالت بدل ساخت [۱۳].

جدول ۲. سیر تاریخی توجه به آثار اجتماعی در سیاست‌گذاری

دوره / نقطه عطف	محرك اصلی	خروجی / تحول نهادی
۱۹۷۰-۱۹۶۹: تصویب NEPA	فشار اجتماعی ناشی از آثار سدها، بزرگراه‌ها و صنایع	الزام «بیانیه اثرات زیست‌محیطی» با اشاره به محیط انسانی
۱۹۷۳: خط لوله آلاسکا	پرسش جوامع اینوئیت درباره آینده سبک زندگی	طرح ضرورت ملاحظات فرهنگی و اجتماعی در کنار آثار بوم‌شناختی
اوایل دهه ۱۹۸۰: تأسیس IAIA	خلأ نظری و پراکندگی تجارب	تشکیل شبکه بین‌المللی ارزیابی اثرها و ارتقای ظرفیت حرفه‌ای
۱۹۹۴: دستور العمل کمیته بین‌سازمانی (ICGPSIA)	ناهمگونی در اجرای NEPA اجتماعی	نخستین چارچوب رسمی و هماهنگ برای SIA در ایالات متحده
۲۰۰۳: اصول بین‌المللی IAIA	نیاز به اجماع جهانی و تجارب عملی	تدوین اصول مبتنی بر عدالت اجتماعی، مشارکت و تنوع فرهنگی
۲۰۱۰: ISO ۲۶۰۰۰	گذار از سطح پروژه به سطح سازمانی	نهادینه‌سازی SIA در حکمرانی شرکتی و مسئولیت اجتماعی

مأخذ: همان.

1. International Principles for Social Impact Assessment
2. Social and Environmental Responsibility
3. Sustainable Development Goals

در سال‌های پس از ۲۰۱۵، با گسترش ادبیات توسعه پایدار و تعمیق پیوند SIA با اهداف و شاخص‌های بین‌المللی، رویکردها و چارچوب‌های متنوع‌تری برای تعریف و سنجش اثر اجتماعی پدید آمد. در دهه ۲۰۲۰، این روند با تمرکز بیشتر بر سنجش پذیری، داده‌محوری و همسوسازی با تحولات فناورانه ادامه یافت. نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و بخش خصوصی هر یک به گونه‌ای در بازطراحی و بومی‌سازی این چارچوب‌ها نقش داشتند. در ادامه، به بررسی تعریف «اثر اجتماعی» و مرور برخی از مهم‌ترین چارچوب‌ها و رویکردهای معاصر پرداخته می‌شود.

۳-۳. ضرورت سنجش ساخت یافته: خاستگاه و کارکردهای ارزیابی اثر اجتماعی

گذار از سنجش‌های اقتصادی به سنجش آثار انسانی و اجتماعی مستلزم آن است که «اثر» به‌عنوان موضوع سیاستگذاری بازتعریف شود. در این بازتعریف، اثر اجتماعی عبارت است از: «تغییری معنادار، بااهمیت و نسبتاً پایدار در وضعیت‌ها و تجربه‌های انسانی که بتوان برای آن پیوند سببی معقول با مداخله ترسیم کرد؛ بدون پیش‌فرض مثبت یا منفی بودن آن». این تعریف، ارزیابی را از شمارش فعالیت‌ها به سمت مدیریت تغییر سوق می‌دهد و مشارکت عمومی، عدالت توزیعی و ملاحظات حقوق بشری را به عناصر ضروری فرایند تصمیم‌سازی تبدیل می‌کند [۱۴]. برای کاربست عملی این تعریف، تعیین دامنه «امر اجتماعی» ضروری است. این دامنه مجموعه‌ای از حوزه‌ها را شامل می‌شود:

شکل ۴. دامنه امر اجتماعی [۱۵ و ۱۷]



چنین گستره‌ای از یک سو مانع فرو کاست ارزیابی به متغیرهای صرفاً اقتصادی می‌شود و از سوی دیگر، سنجش‌پذیری سیاست‌ها را به ترکیبی از داده‌های کمی و کیفی و تعامل مستمر با ذی‌نفعان متکی می‌کند [۱۵ و ۱۷].

تمایز میان فرایندهای تغییر و اثر برای قضاوت سیاستی حیاتی است. بسیاری از شاخص‌های متداول (مانند افزایش اشتغال محلی یا تغییر در الگوهای رفت‌وآمد) در لایه پیامد یا میانجی قرار دارند و فقط در صورتی اثر محسوب می‌شوند که به دگرگونی‌های پایدار در رفاه یا تجربه انسانی بینجامند (مثلاً افزایش اعتماد نهادی یا ارتقای انسجام اجتماعی). بی‌توجهی به این تمایز، ارزیابی را به گزارش عملیات تقلیل می‌دهد و پیوند واقعی مداخله با تغییرات پایدار را پنهان می‌کند [۱۷]. از این رو، زنجیره نتایج باید روشن و تفکیک شده بماند:

- ورودی: منابع بسیج شده؛
- خروجی: دستاوردهای بلافاصله؛
- پیامد: تغییرات کوتاه‌مدت یا میان‌مدت در رفتار، روابط و عملکرد اجتماعی و اقتصادی؛
- اثر: دگرگونی‌های پایدار و بااهمیت در وضعیت‌ها و تجربه‌های انسانی.

شکل ۵. زنجیره اثر [۱۳]



عملیاتی سازی این تفکیک با ترسیم «زنجیره‌های اثر» ممکن می‌شود؛ زنجیره‌هایی که پیوند میان سایر محرک‌ها و تغییرات اجتماعی را ردیابی می‌کنند، فروض علی را تصریح، و برای هر لایه سنجه‌های متمایز تعریف می‌کنند. همین راهنما نشان می‌دهد چگونه باید توصیف اثرها و پیوند دادن آنها را انجام داد که شاخص‌های فعالیت و خروجی با شاخص‌های پیامد و اثر خلط نشوند و گزارش‌دهی، مسیر علی را برای سیاستگذار قابل پیگیری نگاه دارد [۱۳]. مسیر خروجی تا اثر غالباً غیر خطی است. تغییرات اجتماعی معمولاً حاصل برهم‌کنش چندین عامل و روند متفاوت‌اند. بنابراین، سیاستگذار باید به‌جای انتساب کامل یک تغییر به یک مداخله، بر سنجش سهم مداخله تمرکز کند. این امر مستلزم سه گام کلیدی است:

- ۱ ترسیم مسیرهای علت و معلولی در زنجیره اثر؛
- ۲ تعیین جامعه و قلمرو جغرافیایی هدف و بازه زمانی ارزیابی؛
- ۳ پایش مستمر و اصلاح مسیر بر پایه شواهد جدید.

شکل ۶. سه گام کلیدی فهم بر سنجش سهم مداخله



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

این رویکرد، هم شفافیت علی را برای سیاستگذار تضمین می‌کند و هم امکان اصلاح به‌موقع مسیر سیاستی را فراهم می‌آورد [۱۳, ۱۸]. در حقیقت، همه این تمایز گذاری‌ها و الزامات روش شناختی به یک دغدغه سیاستی دیرپا بازمی‌گردد: چگونه می‌توان اطمینان یافت که منابع عمومی محدود به اثر عمومی قابل دفاع منتهی شوند؟

SIA دقیقاً با همین هدف در ادبیات سیاستگذاری تعریف شده است؛ یعنی فرایندی نظام‌مند برای تحلیل، پایش، ارزیابی و مدیریت پیامدهای اجتماعی مداخلات برنامه‌ای و پروژه‌ای (خواه مثبت یا منفی) که در سراسر چرخه تصمیم‌گیری و اجرا جاری می‌شود [۱۴, ۱۹]. چنین رویکردی بستر لازم را برای گذار از ارزیابی‌های صرفاً کمی یا اقتصادی به نظامی فراهم می‌کند که تغییرات واقعی در تجربه و رفاه انسانی را محور سیاستگذاری قرار می‌دهد.

براین اساس، کارکردهای SIA فقط به سنجش و گزارش محدود نمی‌شود، بلکه مستقیماً در خدمت ارتقای کیفیت سیاستگذاری و اجرای مداخلات قرار می‌گیرد. از منظر کارکردی، این رویکرد سه فایده سیاستی متمایز را فراهم می‌آورد:

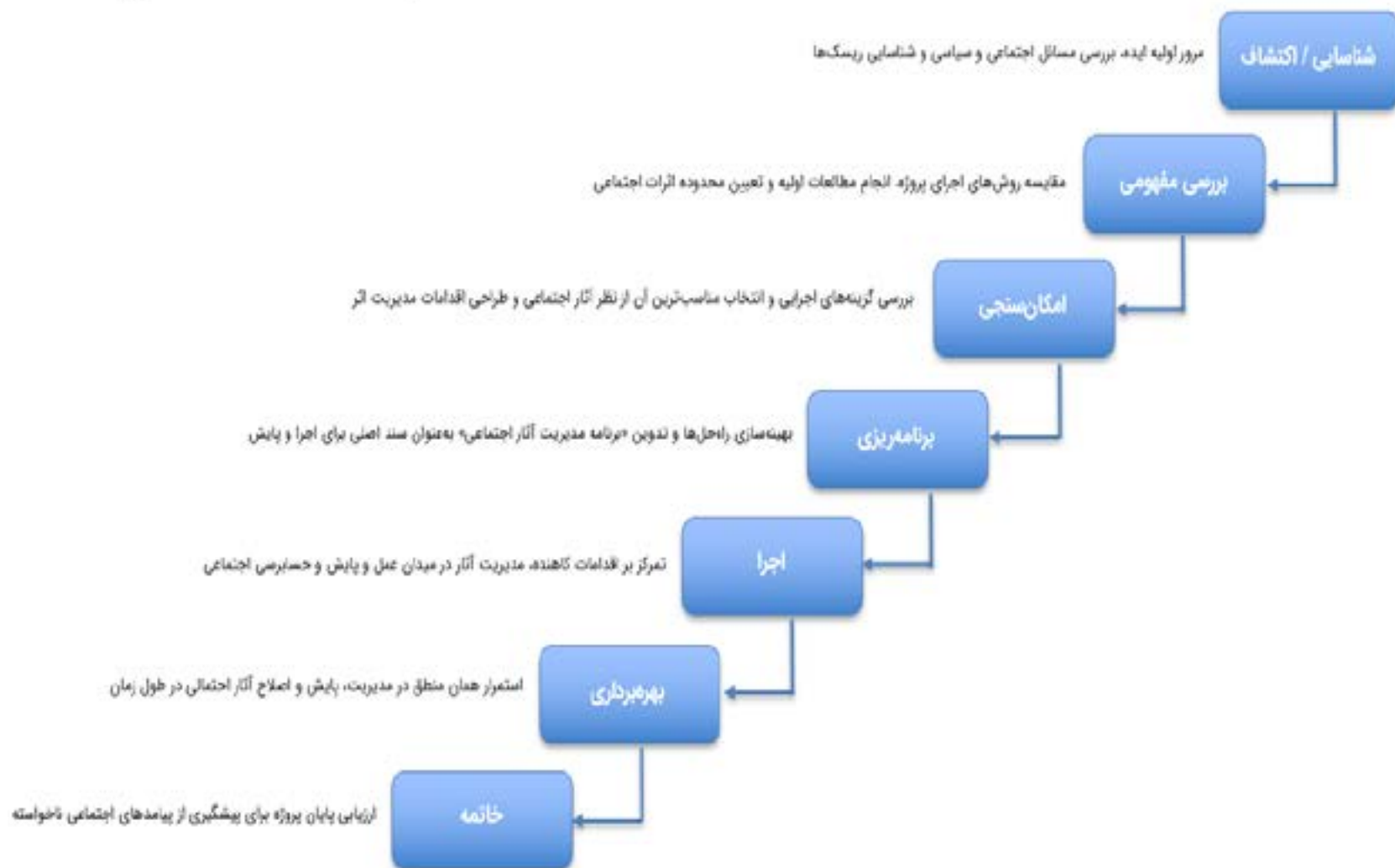


- نخست، کاهش ریسک‌های اجتماعی و هزینه‌های ناشی از تعارض، از طریق شناسایی زود هنگام مسائل حساس (از اسکان مجدد و معیشت تا هویت‌های محلی) و طراحی سلسله‌مراتبی از اقدامات پیشگیرانه، کاهنده و جبرانی آسیب‌های احتمالی.
 - دوم، افزایش مشروعیت و جلب حمایت اجتماعی از طریق مشارکت واقعی ذی‌نفعان، دسترسی شفاف به اطلاعات و پاسخ‌گویی مداوم در قالب برنامه مدیریت آثار اجتماعی.^۱
 - سوم، پیوند دادن تصمیم‌گیری با مدیریت تطبیقی؛^۲ یعنی AIS فقط مرحله‌ای مقطعی برای اخذ مجوز نیست، بلکه فرایندی مستمر است که شامل تعیین خط مبنا، سنجش اهمیت آثار، برنامه‌ریزی مدیریت، پایش شاخص‌ها و بازنگری دوره‌ای می‌شود [۱۹].
- چنین جایگاهی، SIA را از ابزار ارزیابی منفعل به مکانیسم سیاستی پویا بدل می‌کند که می‌تواند در طی چرخه عمر پروژه، مسیر مداخله را همسو با شواهد و تغییرات محیطی باز تنظیم کند.
- از این دیدگاه، تفاوت SIA با الگوهای متعارف ارزیابی فقط در روش یافتن نیست، بلکه در ماهیت راهبردی و سیاستی آن است. برای مثال، اگرچه پایش و ارزیابی (M&E) و SIA در برخی داده‌ها و ابزارها اشتراک دارند، کارکردشان متفاوت است؛ E&M سازوکاری کلی برای سنجش عملکرد است؛ در حالی که SIA به‌طور ویژه بر فرایندهای تغییر اجتماعی و معنای آثار از نگاه جامعه تمرکز دارد و تمام چرخه، از ارزیابی اولیه گزینه‌ها و طراحی برنامه مدیریت اجتماعی تا پیگیری و پایش پسینی، را در بر می‌گیرد [۲۰، ۱۲، ۲۱].
- همچنین، در قیاس با تحلیل هزینه-فایده، SIA رفاه را صرفاً به مقیاس پولی فرو نمی‌کاهد، بلکه اهمیت اجتماعی، توزیع آثار میان گروه‌های مختلف، حقوق بشر و سرمایه‌های ناملموس را، که اغلب قابلیت پول‌سازی ندارند، از طریق رویکردهای کیفی، ترکیبی و مشارکتی ارزیابی می‌کند [۱۴، ۱۹].
- به‌طور کلی، بیشترین کارآمدی SIA هنگامی حاصل می‌شود که از همان ابتدای طراحی سیاست یا پروژه وارد کار شود. در این حالت، کار با مشارکت جدی ذی‌نفعان برای تعیین مسئله آغاز می‌شود. سپس خط‌مبنای اجتماعی دقیق مشخص می‌گردد، گزینه‌های مختلف مداخله بررسی می‌شوند و اهمیت آثار روشن می‌شود. بر همین اساس، یک برنامه مدیریت آثار اجتماعی تهیه می‌شود که شامل اقداماتی برای اجتناب، کاهش یا جبران آثار است و همراه با شاخص‌هایی برای پایش اجرا می‌گردد [۱۹].
- این رویکرد در عمل به‌صورت گام‌به‌گام در طول چرخه عمر پروژه پیاده می‌شود (شکل ۷). در مراحل آغازین، یعنی شناسایی و مطالعات مفهومی، تمرکز بر مرور ایده و تعیین مسائل و ریسک‌های اجتماعی است تا از همان ابتدا حساسیت‌ها در تصمیم‌گیری لحاظ شوند. با ورود به مرحله امکان‌سنجی و سپس برنامه‌ریزی و ارزیابی دقیق‌تر می‌شود: گزینه‌ها مقایسه، دامنه و شاخص‌های اجتماعی تعریف می‌شوند و «برنامه مدیریت آثار اجتماعی» به‌عنوان سند محوری طراحی می‌شود که راهنمای اجرا و نظارت بعدی خواهد بود [۱۹].

۱. «برنامه مدیریت آثار اجتماعی» (Social Impact Management Plan - SIMP) سندی استراتژیک و عملیاتی است که به‌عنوان خروجی کلیدی فرایند ارزیابی آثار اجتماعی تدوین می‌شود. هدف آن ارائه چارچوبی یکپارچه برای شناسایی، پایش، کاهش و جبران آثار منفی و درعین‌حال تقویت منافع اجتماعی پروژه است. در SIMP مجموعه‌ای از اقدامات و رویه‌ها برای کل چرخه عمر پروژه تعریف می‌شود: از مرحله امکان‌سنجی و طراحی تا ساخت، بهره‌برداری و حتی پس از اتمام پروژه. این برنامه شامل موضوعاتی مانند تعهدات شرکت در حوزه سلامت و ایمنی جامعه، برنامه جابه‌جایی و بازتوانی معیشت، مکانیزم‌های مشارکت و شکایات ذی‌نفعان و اقدامات توانمندسازی و سرمایه‌گذاری اجتماعی است [۱۹].

۲. مفهوم مدیریت تطبیقی در ارزیابی اثر اجتماعی به‌لغوم، اصلاح و بازنگری در برنامه مدیریت اجتماعی براساس داده‌های خط‌مبنا و نتایج پایش مستمر اشاره می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در صورت بروز پیامدهای منفی فراتر از برآورد اولیه یا ظهور فرصت‌های جدید، اقدامات اصلاحی متناسب اعمال گردد [۱۹].

شکل ۷. فرایند ارزیابی اثر اجتماعی [۲۰]





در مرحله اجرا، نقش SIA به مدیریت و کاهش آثار منفی، پایش تغییرات و حسابرسی اجتماعی گسترش می‌یابد. همین منطق در دوره بهره‌برداری نیز ادامه دارد تا آثار احتمالی در طول زمان رصد و مدیریت شوند. در انتها نیز لازم است گزینه‌های پایان پروژه به‌طور نظام‌مند ارزیابی شوند تا توقف یا جمع‌آوری فعالیت‌ها منجر به بروز پیامدهای اجتماعی ناخواسته نشود. برای نمونه، تعطیلی یک واحد صنعتی نباید به بیکاری گسترده یا بی‌ثباتی معیشتی بینجامد و رهاسازی یک سایت استخراج نباید تهدیدی برای ایمنی یا سلامت جوامع محلی ایجاد کند [۲۰].

ویژگی متمایز این چرخه آن است که در تمام مراحل، مشارکت ذی‌نفعان و بازخورد مستمر به آنان جزئی جدانشدنی از فرایند تلقی می‌شود. بنابراین، SIA نه فعالیتی مقطعی، بلکه چارچوبی همراه برای هدایت پروژه است که مسیر آن را متناسب با شرایط اجتماعی و شواهد جدید بازتنظیم می‌کند.

۴-۳. منطق حاکم بر ارزیابی اثر اجتماعی و اهداف کلیدی آن

در ادبیات سیاستگذاری، منطق ارزیابی اثر اجتماعی بر این اصل استوار است که ارزیابی صرفاً تولید داده نیست، بلکه فرایندی مسئله‌محور و تصمیم‌محور است که باید از آغاز چرخه برنامه یا پروژه تا پایان آن استمرار داشته باشد. در اصل «مسئله و تصمیم‌محوری»، کیفیت ارزیابی بیش از هر چیز به شفافیت چارچوب مفهومی و تحلیلی وابسته است؛ ابزار یا روش زمانی معنا می‌یابد که پرسش‌های کلیدی و مسیرهای علی‌تغییر روشن شده باشند. از همین رو، منابع مرجع تأکید دارند که هر ارزیابی‌ای باید با تعریف دقیق مسئله، شناسایی ذی‌نفعان و تعیین شاخص‌های اولویت‌دار آغاز، و در ادامه ابزار مناسب انتخاب شود [۲۳، ۱۳].

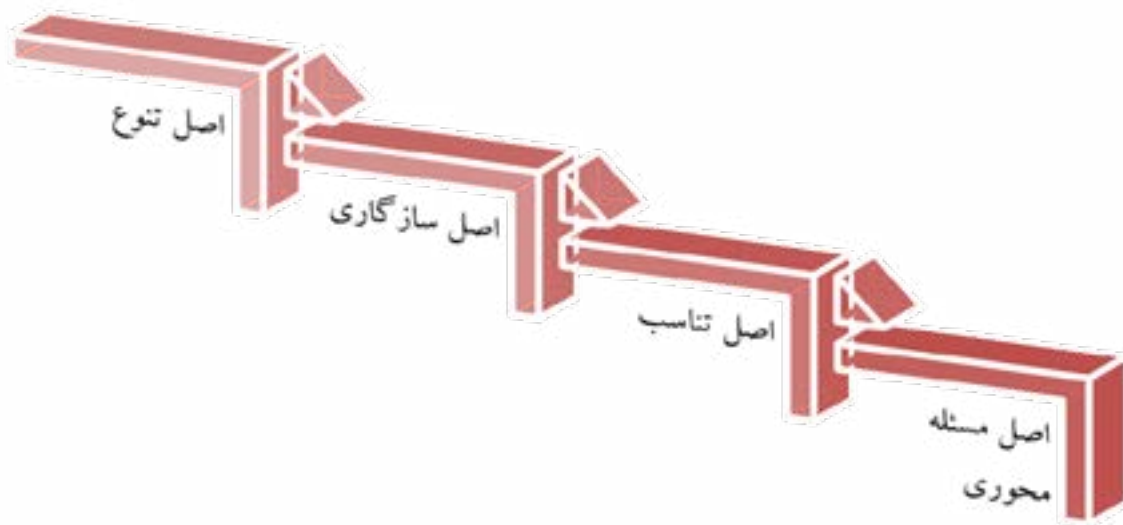
در این میان، اصل تناسب جایگاهی کلیدی دارد. میزان تلاش، دامنه گردآوری داده و عمق تحلیل باید با سطح ریسک و مقیاس مداخله متناسب باشد، نه براساس نسخه‌ای واحد برای همه پروژه‌ها. این اصل در کنار سنجش اهمیت و معناداری اثر، که بر پایه شواهد ترکیبی کمی و کیفی و با توجه به حساسیت گروه‌های مختلف انجام می‌شود، شالوده انتخاب رویکرد ارزیابی را شکل می‌دهد. همچنین، مشارکت معنادار ذی‌نفعان جزء جدایی‌ناپذیر این منطق است؛ مشارکتی که هم دقت و جامعیت ارزیابی را ارتقا می‌دهد و هم اجرای اثربخش برنامه‌های مدیریت اجتماعی را تضمین می‌کند [۲۰].

در امتداد همین منطق، یکی از تمایزهای اساسی این رویکرد با ارزیابی‌های صرفاً فنی، تأکید بر خلق روایت‌های معنادار از تغییر است. ارزیابی نه فقط باید بر داده‌ها و جداول تکیه کند، بلکه لازم است وضعیت پایه را توصیف کند، مسیرهای علی‌تغییر را روشن سازد و تجربه‌های گروه‌های مختلف (به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر) را بازتاب دهد. چنین روایتی، سنجش اهمیت اثرها را واقع‌بینانه‌تر می‌کند و زمینه را برای طراحی و اجرای اقدامات اصلاحی در زمان مناسب فراهم می‌آورد [۱۷، ۱۳].

براساس «اصل سازگاری»، چارچوب انتخابی و ابزار ارزیابی باید با نوع و زمینه مداخله سازگار باشد. در پروژه‌های بزرگ زیرساختی، توجه اصلی بر ریسک‌های اجتماعی، جابه‌جایی جمعیت، تغییر معیشت و ایمنی جامعه است و برنامه مدیریت اجتماعی باید بر شاخص‌های کلیدی و نتایج بلندمدت تکیه کند. در برنامه‌های کوچک‌تر خدمات اجتماعی یا حمایت‌های خرد، روش‌هایی که بر سهم مداخله و نتایج میان‌مدت تمرکز دارند مناسب‌ترند. بنابراین ابزار ارزیابی باید براساس پرسش‌ها و آثار هر پروژه انتخاب شود، نه اینکه همه پروژه‌ها در قالب ابزاری واحد سنجیده شوند [۲۰].

در نهایت، تنوع روش‌ها و ترکیب داده‌های کمی و کیفی ضرورتی اساسی در این رویکرد است. براساس «اصل تنوع»، داده‌های ثبتي و پیمایشی برای رصد روندهای جمعیتی و نگرشی، مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز برای درک تجربه و معناداری و سامانه‌های ردیابی شکایات برای شناسایی ریسک‌های نوظهور باید هم‌زمان به کار گرفته شوند. این تنوع، ارزیابی را از گزارشی ایستا به ابزاری برای یادگیری سازمانی و اصلاح مستمر مسیر تبدیل می‌کند و به سیاستگذار امکان می‌دهد تغییرات اجتماعی را نه فقط در قالب اعداد، بلکه به‌عنوان بخشی از روایت توسعه و بهبود واقعی کیفیت زندگی مردم بسنجد [۲۰].

شکل ۸. منطق حاکم بر ارزیابی اثر اجتماعی



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۵-۳. رویکردهای نظری و عملی در ارزیابی اثر اجتماعی

رویکردهای ارزیابی اثر اجتماعی در ادبیات تخصصی حوزه SIA طیفی گسترده از روش‌ها را در بر می‌گیرند که از ابزارهای کمی و شاخص محور تا رویکردهای کیفی، مشارکتی و ترکیبی امتداد می‌یابند. دسته‌بندی این رویکردها معمولاً بر پایه نوع داده‌های به کار رفته، سطح و شیوه مشارکت ذی‌نفعان و منطق تحلیلی نهفته در هر رویکرد انجام می‌شود. برای نمونه، رویکردهای کمی با تکیه بر داده‌های عددی، مدل‌های آماری و سنجش استاندارد، امکان مقایسه میان پروژه‌ها و سنجش روندهای کلان را فراهم می‌کنند و غالباً برای ارزیابی پیامدهای کوتاه‌مدت یا مقیاس‌های بزرگ توصیه می‌شوند [۹]. در نقطه مقابل، رویکردهای کیفی بر فهم زمینه‌ای و عمق تجربه انسانی تمرکز دارند و از مصاحبه‌های عمیق، گروه‌های متمرکز و مشاهده مشارکتی برای بازنمایی روایت‌های پیچیده و معانی اجتماعی تغییر بهره می‌گیرند [۲۴]. میان این دو، رویکردهای ترکیبی تلاش می‌کنند تا مزایای هر دو دسته را تلفیق کنند و تصویری هم‌زمان از کمیت تغییر و کیفیت تجربه ارائه دهند [۱۹].

شکل ۹. رویکردهای ارزیابی اثر اجتماعی [۱۹]





۱-۵-۳. رویکرد کمی

رویکرد کمی زمانی سودمند است که سیاستگذار به شواهدی مقایسه‌پذیر، قابل اعتماد و تعمیم‌پذیر برای سنجش اندازه و نسبت اثر نیاز داشته باشد. منطق این رویکرد بر دو پایه استوار است: نخست، طراحی‌های علی دقیق که بتوانند سهم مداخله را از سایر عوامل جدا کنند؛ دوم، شاخص‌ها و سنجش‌های استاندارد که امکان مقایسه در طول زمان و میان پروژه‌ها را فراهم آورند. با این حال، دستورالعمل‌های بین‌المللی یادآور می‌شوند که کمی‌سازی بدون توضیح مفروضات و بیان حدود عدم قطعیت ممکن است گمراه‌کننده باشد. بنابراین در صورت استفاده از روش‌های کمی، تناسب‌سنجی، کیفیت داده و شفافیت روش باید به‌عنوان اصول بنیادین رعایت شود [۹]. در ادامه برخی از مهم‌ترین روش‌های کمی موجود بررسی می‌شود.

● روش‌های آزمایشی و شبه‌آزمایشی^۱

در روش آزمایش تصادفی کنترل شده (RCT)،^۲ واحدهای هدف مانند خانواده‌ها یا مدارس به‌طور تصادفی به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک گروه مداخله را دریافت می‌کند و گروه دیگر دریافت نمی‌کند. به این ترتیب، هر تفاوتی در نتایج میان دو گروه را می‌توان با اطمینان به اثر خود مداخله نسبت داد. وقتی امکان اجرای آزمایش تصادفی کنترل شده (RCT) وجود ندارد (به دلیل محدودیت‌های اجرایی یا ملاحظات اخلاقی) از طراحی‌های شبه‌تجربی استفاده می‌شود. هدف این طراحی‌ها آن است که بدون تصادفی‌سازی کامل، بتوان اثر خالص مداخله را از سایر عوامل جدا کرد. در واقع، شبه‌تجربی‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از داده‌های موجود و شرایط طبیعی، وضعیتی شبیه آزمایش تصادفی ایجاد کنند. برای این منظور از روش‌های مختلفی نظیر تفاوت در تفاوت^۳ و رگرسیون^۴ گسسته استفاده می‌شود که امکان شناسایی و ارزیابی نتایج مداخلات و سهم مداخلات صورت گرفته در تغییرات ایجاد شده را برای سیاستگذاران فراهم می‌کنند [۲۶].

● تحلیل آماری/اقتصادسنجی (پیمایش، قبل - بعد، سری‌های زمانی)

وقتی طراحی آزمایشی ممکن نیست، ابزارهای آماری برای پایش روندها و تغییرات به کار می‌روند. پیمایش‌های وسیع می‌توانند شاخص‌های پیامد (مثل اشتغال یا سلامت) را در سطح خانوار یا جامعه ثبت کنند. مطالعات قبل و بعد تغییرات همان جمعیت را در بازه‌های زمانی مختلف مقایسه می‌کنند. یکی از معایب این روش این است که احتمال نسبت دادن شتاب‌زده تغییرات صورت گرفته به مداخلات در آن زیاد است. تحلیل سری‌های زمانی نیز روند بلندمدت را دنبال می‌کنند و می‌توانند نشان دهند آیا یک مداخله باعث شکست ساختاری در الگوهای گذشته شده است. این رویکردها اگرچه از نظر استنتاج علی ضعیف‌ترند، ابزار ضروری برای پایش در مقیاس کلان، شهر یا استان محسوب می‌شوند و مکمل طراحی‌های علی به حساب می‌آیند. نکته شایان توجه این است که به کارگیری این روش مستلزم دسترسی به داده‌های کمی و طبقه‌بندی شده است [۲۶].

● تحلیل هزینه - فایده اجتماعی (SCBA)^۵

SCBA ابزاری کلاسیک در ارزیابی سیاست‌ها و پروژه‌ها، با هدف سنجش کارایی اقتصادی اجتماعی است. در این رویکرد، تمام منافع و هزینه‌های یک مداخله به واحد پولی مشترک تبدیل می‌شوند تا امکان مقایسه فراهم گردد. برای مثال، در پروژه احداث یک جاده، هزینه‌های ساخت و نگهداری در مقابل منافع ناشی از صرفه‌جویی در زمان سفر، کاهش مصرف سوخت، کاهش تصادفات و افزایش فعالیت اقتصادی محاسبه و تنزیل می‌شوند.

1. Experimental and Quasi-Experimental
2. Randomized Clinical Trial

۳. روش تفاوت در تفاوت (Difference-in-Differences) رویکردی شبه‌آزمایشی در تحلیل آثار سیاستی و اجتماعی است که برای شناسایی اثر خالص یک مداخله به کار می‌رود. این روش بر پایه مقایسه دو گروه است: یک گروه که سیاست یا پروژه روی آن اجرا می‌شود (گروه مداخله) و یک گروه که تغییر خاصی را تجربه نمی‌کند (گروه کنترل). در این روش، تغییرات یک متغیر وابسته در «گروه مداخله» قبل و بعد از اجرا با تغییرات همان متغیر در «گروه کنترل» طی همان بازه زمانی مقایسه می‌شود. منطق اصلی آن است که اگر روندهای دو گروه در غیاب مداخله مشابه باشند، اختلاف تغییرات مشاهده شده پس از مداخله می‌تواند به مداخله نسبت داده شود. به بیان ساده، این روش با حذف آثار مشترک زمانی و ناهمگنی‌های ثابت میان گروه‌ها، امکان برآورد علی دقیق‌تری نسبت به مقایسه‌های ساده پیش، پس یا بین‌گروهی فراهم می‌کند [۲۵].

4. Regression Discontinuity
5. Social Cost-Benefit Analysis

معیار نهایی تصمیم‌گیری، نسبت منافع به هزینه‌ها یا ارزش فعلی خالص^۱ است. جایگاه ذی‌نفعان در این چارچوب بیشتر به‌عنوان منبع داده تلقی می‌شود و وزن اصلی تحلیل بر محاسبات اقتصادسنجی و کارایی کلان قرار دارد [۲۷].

● بازگشت اجتماعی سرمایه (SROI)^۲

SROI با الهام از منطق هزینه-فایده توسعه یافته، اما تمرکز آن بر ایجاد ارزش اجتماعی ادراک شده توسط ذی‌نفعان است. در این رویکرد، ابتدا نتایج و پیامدهای پروژه از دیدگاه ذی‌نفعان شناسایی می‌شود (مثلاً افزایش اعتماد به نفس، بهبود مهارت‌های شغلی یا ارتقای سلامت روان)؛ سپس این پیامدها از روش‌های مختلف به ارزش مالی تخمین زده می‌شوند. حاصل کار، یک نسبت مالی ساده است (برای مثال: هر یک واحد سرمایه‌گذاری، سه واحد ارزش اجتماعی ایجاد کرده است). برخلاف SCBA، که عموماً در حوزه سیاستگذاری کلان به کار می‌رود، SROI در زمینه‌های اجتماعی، خیریه‌ای و سرمایه‌گذاری اثرگذار رواج دارد و روایت ارزش اجتماعی به‌همراه شفافیت در فروض و مشارکت ذی‌نفعان بخش جدایی‌ناپذیر آن است [۲۸].

شکل ۱۰. اهمیت روش‌های کمی ارزیابی آثار اجتماعی



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۲-۵-۳. رویکرد کیفی - مشارکتی

مشارکت جامعه صرفاً در قالب ابزار گردآوری داده نیست، بلکه سازوکار حکمرانی فراگیر برای به رسمیت شناختن حقوق، کاهش ریسک‌های اجتماعی و ارتقای پذیرش عمومی سیاست‌ها محسوب می‌شود. راهنمای IAIA بر ضرورت مشاوره معنادار از ابتدای طراحی تا پس از اجرا و مستندسازی بازخوردها تأکید دارد [۱۹]. در ادامه روش‌های کیفی - مشارکتی بررسی و تشریح شده است.

● نظریه تغییر ToC^۳

نظریه تغییر چارچوبی تحلیلی - مشارکتی برای ترسیم روابط علی بین ورودی‌ها، فعالیت‌ها، خروجی‌ها و نتایج نهایی سیاست‌هاست. در این روش مسیرهای تغییر، مفروضات کلیدی و شاخص‌های سنجش تعریف می‌شوند و تحلیل نتایج براساس تحقق یا تحقق نیافتن این زنجیره علی صورت می‌پذیرد. خروجی این روش نقشه نظریه تغییر و ماتریس شاخص‌هاست که ابزار راهبردی سیاستگذاران برای پایش و اصلاح برنامه‌ها محسوب می‌شود [۲۹].

1. Net Present Value
2. Social Return On Investment
3. Theory of Change



● چارچوب منطقی^۱

چارچوب منطقی ابزاری نیمه‌مشارکتی برای طراحی و ارزیابی سیاست‌هاست که اهداف کلان، نتایج میانی، برون‌دادها و فعالیت‌ها را در یک ماتریس چهارسطحی سازمان‌دهی می‌کند. این ماتریس با شاخص‌های قابل اندازه‌گیری، قابل دستیابی، زمان‌مند و مرتبط تکمیل می‌شود و امکان ارزیابی منظم پیشرفت اهداف توسعه‌ای را فراهم می‌آورد. خروجی این روش چارچوبی منطقی و برنامه‌پایش و ارزیابی است که مستقیماً در چرخه سیاستگذاری به کار گرفته می‌شود [۳۰].

● تحلیل ذی‌نفعان^۲ و خط‌مبنای اجتماعی^۳

تحلیل ذی‌نفعان و خط‌مبنای اجتماعی از الزامات مقدماتی در ارزیابی آثار اجتماعی محسوب می‌شود. خط‌مبنای اجتماعی به نقطه مرجع یا وضعیت اولیه‌ای گفته می‌شود که شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه پیش از اجرای پروژه یا مداخله توسعه‌ای را توصیف می‌کند. این خط‌مبنا به سیاستگذاران و پژوهشگران کمک می‌کند تا پیش از مداخله، تصویری دقیق از وضعیت موجود (مثلاً سطح اشتغال، درآمد خانوار، سلامت، انسجام اجتماعی، دسترسی به خدمات یا کیفیت زندگی) را به دست آورند و سپس تغییرات ناشی از پروژه را با آن مقایسه کنند [۱۴]. تحلیل ذی‌نفعان نیز با شناسایی گروه‌های اثرپذیر و اثرگذار، ترسیم روابط قدرت و منافع، مستندسازی وضعیت اجتماعی-نهادی پیش از مداخله، بنیان لازم برای قضاوت‌های بعدی درباره اهمیت و حساسیت آثار را فراهم می‌آورد. دستورالعمل بانک جهانی پنج نقطه ورود را برای این تحلیل برجسته می‌کند: تنوع اجتماعی، نهادها و قواعد رفتاری، ذی‌نفعان، مشارکت و ریسک اجتماعی. همچنین تأکید می‌کند که خط‌مبنای اجتماعی باید بر داده‌های زمینه‌محور و کیفی نظیر مصاحبه عمیق، گروه‌کانونی و مشاهده مشارکتی استوار باشد [۲۴]. در چارچوب استانداردهای IAlA، تهیه پروفایل اجتماعی دقیق و نقشه‌برداری ذی‌نفعان در مرحله نخست ارزیابی الزامی است تا هم برآورد تغییرات محتمل واقع‌بینانه گردد و هم سازوکار مشارکت و رسیدگی به شکایات به‌درستی طراحی شود [۱۹، ۱۵].

● روش برجسته‌ترین تغییر MSC^۴

روش MSC بر پایه گردآوری روایت‌های واقعی از تغییرات تجربه شده توسط ذی‌نفعان عمل می‌کند. در این روش، ابتدا حوزه‌های مشخص تغییر (مثلاً وضعیت معیشت یا دسترسی به خدمات) تعریف می‌شود؛ سپس ذی‌نفعان داستان‌های خود را درباره تغییرات رخ داده بازگو می‌کنند. این داستان‌ها توسط کمیته‌های محلی یا سیاستی مرور، و مهم‌ترین آنها، همراه با توضیح اینکه چرا آن داستان مهم‌تر است انتخاب می‌شود. در ادامه، تحلیل مضمون روی داستان‌های انتخاب شده انجام می‌گیرد تا الگوهای تکراری و پیام‌های کلیدی استخراج شود. خروجی نهایی، تصویری روشن از تغییرات کیفی و حتی غیرمنتظره است که در آمارهای معمول دیده نمی‌شود و می‌تواند برای اصلاح سیاست‌ها و طراحی مداخلات آینده به کار رود [۳۱].

● قوم‌نگاری^۵

مطالعات عمیق کیفی در قالب قوم‌نگاری برای درک لایه‌های فرهنگی، هویتی و روابط قدرت ضروری است. این روش با استفاده از مشاهده مشارکتی و روایت‌های میدانی، برداشت مردم از تغییر، تعارضات پنهان و هنجارهای اجتماعی را آشکار می‌سازد. راهنمای IAlA توصیه می‌کند در پروژه‌های حساس فرهنگی، مطالعات کیفی مکمل شاخص‌های کمی شوند تا تفاوت‌های درون‌گروهی (جنسیت، سن، قومیت) به‌درستی شناسایی و اقدامات متناسب طراحی شوند [۱۹].

● تحلیل اسناد و منابع ثانویه

تحلیل نظام‌مند اسناد قانونی، سیاستی، رسانه‌ای و تاریخی یکی از ارکان ایجاد خط‌مبنای اجتماعی است و به شناسایی حساسیت‌ها و ریسک‌های حکمرانی کمک می‌کند. کتاب مرجع تحلیل اجتماعی بانک جهانی این ابزار را کنار داده‌های میدانی به‌عنوان مکمل ضروری معرفی می‌کند [۲۴].

1. Logical Framework Approach
2. Stakeholder Analysis
3. Social Baseline
4. Most Significant Change
5. Ethnography

شکل ۱۱. اهمیت روش‌های کیفی - مشارکتی ارزیابی آثار اجتماعی



مأخذ: همان.

۳-۵-۳. رویکرد ترکیبی

رویکرد ترکیبی در ارزیابی آثار اجتماعی، تلاشی است برای بهره‌گیری هم‌زمان از نقاط قوت روش‌های کمی و کیفی به منظور دستیابی به تصویری جامع‌تر از پیامدهای یک مداخله یا پروژه. در این رویکرد، داده‌های کمی امکان مقایسه‌پذیری، سنجش تغییرات در طول زمان و تعمیم‌پذیری نتایج را فراهم می‌آورند؛ در حالی که داده‌های کیفی ابعاد معنایی، زمینه‌ای و تجربیات زیسته ذی‌نفعان را روشن می‌کنند. ادغام این دو نوع داده، چه به صورت متوالی و چه به شکل هم‌زمان، به پژوهشگر اجازه می‌دهد هم شواهد آماری معتبر و هم روایت‌های عمیق و تفسیری از تغییرات اجتماعی را کنار هم ببیند [۳۲]. به همین دلیل، نهادهایی چون بانک جهانی و OECD در سال‌های اخیر تأکید کرده‌اند که ارزیابی‌های اجتماعی در پروژه‌های توسعه‌ای بدون ترکیب دو منطق کمی و کیفی نمی‌توانند به درستی پیچیدگی آثار را منعکس کنند [۲۴، ۳۳].

• تحلیل تطبیقی کیفی QCA^۱

QCA رویکردی است که منطق بولی^۲ و تحلیل مجموعه‌ای را برای ادغام داده‌های کمی و کیفی به کار می‌گیرد. در این روش، یک ماتریس داده‌ای حضور یا غیاب متغیرهای کلیدی تدوین را دربر می‌گیرد و شرایط بستر اجتماعی با تحلیل کیفی تکمیل می‌شود. خروجی نهایی مجموعه‌ای از ترکیب‌های شرطی است که وقوع یا وقوع نیافتن نتایج خاص را توضیح می‌دهد. این روش امکان شناسایی مسیرهای علی متکثر را فراهم می‌آورد و برای سیاست‌گذاری در محیط‌های پیچیده با تنوع زمینه‌ای بسیار مفید است [۳۴].

• ارزیابی یکپارچه آثار اجتماعی (ISIA)^۳

ISIA به‌عنوان چارچوبی تلفیقی توسط بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی طراحی شده است تا داده‌های کمی (مانند شاخص‌های آموزش، سلامت، درآمد) را با داده‌های کیفی و مشارکتی (مانند مشاوره با جامعه محلی و تحلیل ذی‌نفعان) ادغام کند. این رویکرد در عمل شامل مراحل گردآوری داده‌های پیمایشی، تحلیل آماری و برگزاری جلسات مشاوره‌ای جامعه‌محور است. خروجی‌ها شامل پروفایل اجتماعی جامع و برنامه مدیریت اجتماعی است که هم بر سنجش‌های کمی تکیه دارد و هم بر شناخت کیفی از بستر اجتماعی [۲۴].

1. Qualitative Comparative Analysis

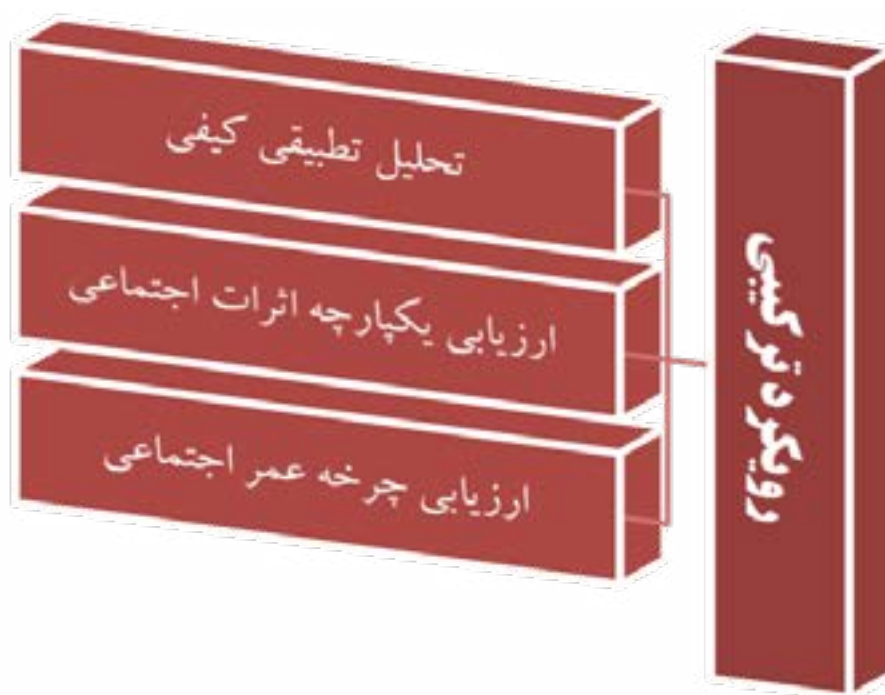
۲. منطق بولی (Boolean Logic) روشی است که با استفاده از حالت‌های ساده «درست» یا «نادرست» کار می‌کند. در این روش هر عامل فقط می‌تواند دو حالت داشته باشد: وجود (۱) یا عدم وجود (۰) با ترکیب این حالت‌ها به وسیله «و» (AND)، «یا» (OR) و «نه» (NOT) می‌توان فهمید چه ترکیب‌هایی از عوامل باعث وقوع یا جلوگیری از یک نتیجه می‌شوند [۳۴].

3. Integrated Social Impact Assessment

● ارزیابی چرخه عمر اجتماعی (S-LCA)^۱

S-LCA را می‌توان روشی ترکیبی با گرایش کمی دانست. در این رویکرد، داده‌های کیفی (مانند مصاحبه با کارکنان یا تحلیل شکایات جوامع محلی) برای شناسایی موضوعات اثر جمع‌آوری می‌شود، اما سنجش نهایی عمدتاً بر پایه شاخص‌های کمی انجام می‌گیرد. شاخص‌هایی مانند نرخ حوادث شغلی، دسترسی به بیمه، ساعت‌های کار اجباری یا نسبت شکایات رسیدگی شده به صورت عددی ثبت و گردآوری می‌شوند [۳۵]. سپس این داده‌ها با وزن‌دهی به هر ذی‌نفع و هر مرحله چرخه عمر، در قالب نقشه اثر اجتماعی نمایش داده می‌شوند. بدین ترتیب، S-LCA تلاش می‌کند کیفیات اجتماعی را تا حد امکان به کمیت‌های مقایسه‌پذیر تبدیل کند؛ هرچند برخی حوزه‌ها (مثل عدالت اجتماعی یا هنجارهای فرهنگی) همچنان کیفی باقی می‌مانند [۳۶].

شکل ۱۲. اهمیت روش‌های ترکیبی ارزیابی آثار اجتماعی



مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی



ارزیابی اثر اجتماعی (SIA) به‌عنوان فرایندی نظام‌مند و چندبعدی، پاسخی ضروری به شکاف فزاینده میان «تخصیص منابع» و «دستاوردهای اجتماعی» در سیاستگذاری عمومی و مداخلات توسعه‌ای است. این گزارش با مرور سیر تکاملی، چارچوب‌ها و تجربیات جهانی در حوزه ارزیابی اثر اجتماعی نشان می‌دهد که موفقیت پروژه‌ها و برنامه‌های اجتماعی فقط با شاخص‌های اقتصادی و کمی قابل سنجش نیست، بلکه نیازمند درک عمیق و سنجش تغییرات معنادار در وضعیت‌های انسانی و اجتماعی است.

تحول تاریخی SIA از یک پیوست زیست‌محور در قانون NEPA آمریکا به حوزه‌های مستقل و بین‌رشته‌ای، نشان‌دهنده گذار از نگاه فنی-مهندسی به رویکردی انسان‌محور و مشارکتی است. شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی مانند IAIA و تدوین اصول و استانداردهایی چون

1. Social Life Cycle Assessment

«اصول بین‌المللی ارزیابی اثر اجتماعی» (۲۰۰۳) و ISO ۲۶۰۰۰، گواهی بر این تحول و تلاشی برای نهادینه‌سازی ارزیابی اثر اجتماعی در سطوح مختلف حکمرانی است.

در این مسیر، رویکردهای متنوعی برای سنجش اثر اجتماعی شکل گرفته است: از روش‌های کمی همچون آزمایش‌های تصادفی کنترل شده (RCT) و تحلیل هزینه-فایده اجتماعی (SCBA) که بر سنجش علی و مقایسه‌پذیری تمرکز دارند، تا روش‌های کیفی-مشارکتی مانند نظریه تغییر (ToC)، روش برجسته‌ترین تغییر (MSC) و قوم‌نگاری که بر فهم زمینه، روایت‌های ذی‌نفعان و معناکاوی تغییرات اجتماعی تأکید می‌کنند. رویکردهای ترکیبی نیز با تلفیق داده‌های کمی و کیفی، تلاش می‌کنند تصویری جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر از آثار ارائه دهند. درس کلیدی تجربیات جهانی آن است که SIA فقط ابزار اندازه‌گیری نیست، بلکه فرایند یادگیری، مدیریت ریسک و افزایش مشروعیت است. کشورهایی که توانسته‌اند این نظام را در چرخه سیاستگذاری و اجرای پروژه‌ها نهادینه کنند، نه فقط از هدررفت منابع جلوگیری کرده‌اند، بلکه با جلب مشارکت واقعی ذی‌نفعان و شفافیت در تصمیم‌گیری، اعتماد عمومی و تاب‌آوری اجتماعی را نیز تقویت کرده‌اند. در مقابل، فقدان چنین نظامی - همان‌گونه که در آمارهای بودجه‌ای ایران نیز مشهود است - منجر به شکاف عمیق بین «هزینه کرد» و «دستاورد» شده است. افزایش چندصددرصدی بودجه‌های حمایتی و اشتغال‌زایی، بدون ارزیابی اثر، نه فقط نتوانسته است مسائل ساختاری مانند فقر، نابرابری و بیکاری را حل کند، بلکه ممکن است به باز تولید چرخه وابستگی و ناکارآمدی انجامیده باشد. در نتیجه، ارزیابی اثر اجتماعی به مثابه یک «قطب‌نما» برای سیاستگذاری اجتماعی عمل می‌کند؛ ابزاری که با نشان دادن مسیر تغییرات واقعی، به سیاستگذاران کمک می‌کند تا منابع محدود را به‌سوی مداخلاتی هدایت کنند که بیشترین تأثیر مثبت و پایدار را بر کیفیت زندگی مردم دارند.

۵. پیشنهادها

باتوجه به یافته‌های این گزارش و با هدف استقرار نظام ارزیابی اثر اجتماعی در ایران، این پیشنهادها در سه سطح کلان، اجرایی و ظرفیت‌سازی ارائه می‌شود:

● سطح کلان: تدوین چارچوب قانونی و نهادی

– امکان‌سنجی تدوین سیاست یا قانون ارزیابی اثر اجتماعی: باتوجه به اینکه انجام ارزیابی اثر اجتماعی به خصوص برای تمام پروژه‌ها و برنامه‌های عمومی با بودجه بالای یک حد آستانه مشخص، الزامی ارزیابی می‌شود، لازم است ابعاد مختلف تصویب قانونی جامع در این حوزه بررسی گردد؛ قانونی که می‌تواند با الهام از «اصول بین‌المللی ارزیابی اثر اجتماعی (IAIA, ۲۰۰۳)» یا الگوی بومی شده آن طراحی شود.

– ایجاد نهاد ناظر ملی: تشکیل «دفتر ارزیابی اثر اجتماعی» در قوه مجریه (مانند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یا سازمان برنامه و بودجه کشور) به‌عنوان نهاد متولی، هماهنگ‌کننده و ناظر بر اجرای SIA در دستگاه‌های اجرایی ضروری است.

– ادغام SIA در فرایند بودجه‌ریزی: تخصیص بودجه به پروژه‌های اجتماعی و حمایتی باید منوط به ارائه و تصویب «برنامه مدیریت آثار اجتماعی (SIMP)» باشد تا از تأمین مالی پروژه‌های فاقد توجیه اجتماعی جلوگیری شود.

● سطح اجرایی: توسعه دستورالعمل‌ها و روش‌شناسی

– تهیه دستورالعمل‌های بومی و بخشی: تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی SIA برای حوزه‌های مختلف (مانند محرومیت‌زدایی، اشتغال، سلامت اجتماعی) باتوجه به شرایط خاص ایران و با استفاده از رویکردهای ترکیبی (کمی-کیفی) پیشنهاد می‌شود.

– اولویت‌بندی روش‌های کاربردی: در گام نخست، به کارگیری روش‌های نسبتاً ساده‌تر، اما مؤثر مانند «نظریه تغییر (ToC)»، «تحلیل



ذی نفعان» و «برنامه مدیریت آثار اجتماعی (SIMP)» در کلیه پروژه‌ها توصیه می‌شود. به تدریج و با کسب تجربه، می‌توان از روش‌های پیچیده‌تر مانند SROI و RCT نیز بهره برد.

- **بستر سازی مناسب برای پایش و گزارش دهی منظم:** ثبت، پایش و انتشار عمومی گزارش‌های ارزیابی اثر اجتماعی، شفافیت و پاسخ‌گویی را افزایش می‌دهد و امکان یادگیری جمعی و مقایسه بین پروژه‌ها را فراهم می‌کند. از این رو لازم است با توسعه سامانه‌های هر دستگاه یا راه‌اندازی سامانه‌ای ملی، زمینه مناسب برای پایش و ارزیابی مؤثر بر طرح‌های مذکور فراهم آید.

● سطح ظرفیت‌سازی و فرهنگ‌سازی

- **آموزش و توانمندسازی:** برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای مدیران ارشد، کارشناسان دستگاه‌های اجرایی و مشاوران در زمینه مفاهیم، روش‌ها و ابزارهای SIA ضرورتی فوری است.

- **توسعه جامعه حرفه‌ای:** حمایت از تشکیل «انجمن ارزیابی اثر اجتماعی ایران» به‌عنوان نهاد غیردولتی، مستقل و حرفه‌ای برای تبادل تجارب، توسعه استانداردها و نظارت بر کیفیت ارزیابی‌ها.

- **افزایش آگاهی عمومی:** اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی درباره اهمیت و حق ذی‌نفعان برای مشارکت در ارزیابی آثار پروژه‌ها از طریق رسانه‌ها و نهادهای مدنی.

پیشنهاد برای گام نخست: پروژه پایلوت

به‌عنوان اقدام عملی و فوری، پیشنهاد می‌شود یک یا دو «پروژه پایلوت» در حوزه‌های پرچالش مانند اشتغال‌زایی (افراد دارای معلولیت و مشاغل خرد خانگی) یا خدمات بهزیستی و مددکاری اجتماعی، با همراهی مشاوران مجرب، به‌طور کامل مورد ارزیابی اثر اجتماعی قرار گیرند. خروجی این پروژه‌های پایلوت، علاوه بر ارائه درس‌آموخته‌های عملی، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تدوین دستورالعمل ملی و اقناع سیاستگذاران به کار رود.

در نهایت، استقرار نظام ارزیابی اثر اجتماعی، نه یک انتخاب، بلکه ضرورت حکمرانی خوب در ایران است تا منابع ملی به‌جای صرف «فعالیت»، در مسیر خلق «تغییر» پایدار و معنادار در زندگی مردم هدایت شوند.

منابع و مأخذ



- [۱] عزت‌آبادی پور، حسام و محمدتقی ضرغام‌افشار، (۱۴۰۳)، «سلسله‌گزارش‌های تبیین و تنظیم کسب‌وکارهای اجتماعی: مفهوم‌شناسی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۰۲۶۶.
- [۲] عزت‌آبادی پور، حسام و محمدتقی ضرغام‌افشار، (۱۴۰۳)، «درس‌آموخته‌هایی از کسب‌وکار اجتماعی در دنیا: مرجع قانونی و شخصیت حقوقی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۰۲۵۲.
- [۳] عزت‌آبادی پور، حسام و محمدتقی ضرغام‌افشار، (۱۴۰۴)، «درس‌آموخته‌هایی از کسب‌وکار اجتماعی در دنیا: ابزارهای حمایتی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۰۹۰۵.
- [۴] قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور، ۱۳۹۹.
- [۵] قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور، ۱۴۰۰.
- [۶] قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور، ۱۴۰۱.
- [۷] قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور، ۱۴۰۲.
- [۸] قانون بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور، ۱۴۰۳.

[9] OECD, (2023), "Policy Guide on Social Impact Measurement for the Social and Solidarity Economy", OECD.

- [10] Schalock RL, (1995), Outcome-Based Evaluation, Available from: URL: <https://doi.org/10.1007/978-1-4757-2399->.
- [11] Sen A, (1999), Development as freedom.
- [12] Burdge RJ, Vanclay F, (1996), "SOCIAL IMPACT ASSESSMENT: A CONTRIBUTION TO THE STATE OF THE ART SERIES", Impact Assessment, Vol. 14, No. 1, pp.59–86.
- [13] Taylor C, Mackay M, (2022), Social Impact Assessment: Guidelines for Thriving Communities and Regions. Available from: URL: https://www.buildingbetter.nz/wp-content/uploads/2023/08/Taylor_Mackay_2022_social_impact_assessment_guidelines.pdf.
- [14] Vanclay F, (2003), "International Principles For Social Impact Assessment", Impact Assessment and Project Appraisal, Vol.21, No.1, pp.5–12.
- [15] ICGPSIA, (1994), Guidelines and principles for social impact assessment4.
- [16] Hahn R, (2012), "Standardizing Social Responsibility? New Perspectives on Guidance Documents and Management System Standards for Sustainable Development", IEEE Trans. Eng. Manage, Vol.59, No.4, pp.717–27.
- [17] Vanclay F, (2002), "Conceptualising social impacts", Environmental Impact Assessment Review, Vol.22, No. 3, pp.183–211.
- [18] Franks D, Brereton D, Moran C, (2010), "Managing the cumulative impacts of coal mining on regional communities and environments in Australia", Impact Assessment and Project Appraisal Vol. 28, No.4, pp.299–312.
- [19] Vanclay F, Esteves, AM, Aucamp I, Franks D, (2015), "Social impact assessment: Guidance for assessing and managing the social impacts of projects (Guidance Note)", Available from: URL: <https://iaia.org/wp-content/uploads/2025/03/Social-Impact-Assessment-Guidance-for-Assessing-and-Managing-the-Social-Impacts-of-Projects.pdf>.
- [20] Vanclay F, Esteves AM, (2011), "New directions in social impact assessment: Conceptual and methodological advances", Cheltenham, Northampton MA: Edward Elgar.
- [21] Vanclay F, (2006), "Principles for social impact assessment: A critical comparison between the international and US documents", Environmental Impact Assessment Review, Vol. 26, No. 1, pp.3–14.
- [22] Owen D, (2008), "Chronicles of wasted time?", Accounting, Auditing & Accountability Journal, Vol. 21, No.2, pp.240–67.
- [23] Vanclay F, (2020), "Reflections on social impact assessment in the 21st century", Vol. 38, No. 2, pp.126–31, Available from: URL: <https://doi.org/10.1080/14615517.2019.1694781>.
- [24] World Bank, (2003), "Social analysis sourcebook: Incorporating social dimensions into World Bank-supported projects", Available from: URL: <https://documents1.worldbank.org/curated/en/724311468780340174/pdf/Social-analysis-sourcebook-incorporating-social-dimensions-into-Bank-supported-projects.pdf>.
- [25] Angrist JD, Pischke J-S, (2008), Mostly Harmless Econometrics, Princeton University Press.
- [26] Gertler PJ, Martinez S, Premand P, Rawlings LB, Vermeersch CMJ, (2016), Impact Evaluation in Practice, Second Edition, Washington, DC: Inter-American Development Bank and World Bank.
- [27] Boardman AE, Greenberg DH, Vining AR, Weimer DL, (2018), Cost-benefit analysis: Concepts and practice (5th ed.), Available from: URL: <https://www.cambridge.org/highereducation/books/costbenefit-analysis/484720E-57798B7E7A29C7156407CD4A1overview>.
- [28] Nicholls J, Lawlor E, Neitzert E, Goodspeed T, (2012), "A Guide to Social Return on Investment", Available from:



URL: <https://socialvalueselfassessmenttool.org/wp-content/uploads/intranet/758/pdf-guide.pdf>.

[29] Weiss CH, (1995), "Nothing as practical as good theory: Exploring theory-based evaluation for comprehensive community initiatives for children and families", pp.65–92. Available from: URL: <https://docs.opendeved.net/lib/2URBNM2X>.

[30] European Commission, (2004), "Aid delivery methods: Vol 1 - Project cycle management guidelines", Available from: URL: https://rekabetcisektorler.sanayi.gov.tr/media/dokumanlar/methodology-aid-delivery-methods-project-cycle-management-200403_en.pdf.

[31] Davies R, Dart J, (2005), "The 'Most Significant Change' (MSC) Technique: A Guide to Its Use", (Version 1.00, April 2005), Available from: URL: <https://dx.doi.org/10.13140/RG.2.1.4305.3606>.

[32] Rick Davies, (2005), The 'Most Significant Change' (MSC) Technique: A Guide to Its Use".

[33] OECD, (2019), "Policy coherence for sustainable development 2019: Empowering people and ensuring inclusiveness and equality", Available from: URL: https://www.oecd.org/en/publications/policy-coherence-for-sustainable-development-2019_a90f851f-en.html.

[34] Ragin CC, (1987), "The comparative method: Moving beyond qualitative and quantitative strategies", Available from: URL: <https://www.jstor.org/stable/10.1525/j.ctt1pnx57>.

[35] UNEP, (2009), "Guidelines for Social Life Cycle Assessment of Products", Available from: URL: <https://www.unep.org/resources/report/guidelines-social-life-cycle-assessment-products>.

[36] Life Cycle Initiative, (2020-2021), "Guidelines for social life cycle assessment of products and organizations", Available from: URL: <https://www.lifecycleinitiative.org/wp-content/uploads/2021/01/Guidelines-for-Social-Life-Cycle-Assessment-of-Products-and-Organizations-2020-22.1.21sml.pdf>.

گزیده سیاستی

مطابق با ارزیابی منابع عمومی قانون بودجه ۱۴۰۴، پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۴، حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان از منابع عمومی درج شده در قانون بودجه محقق نشوند.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰۰ | صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ | پست الکترونیک: mrc@majes.ir

وبسایت: rc.majles.ir